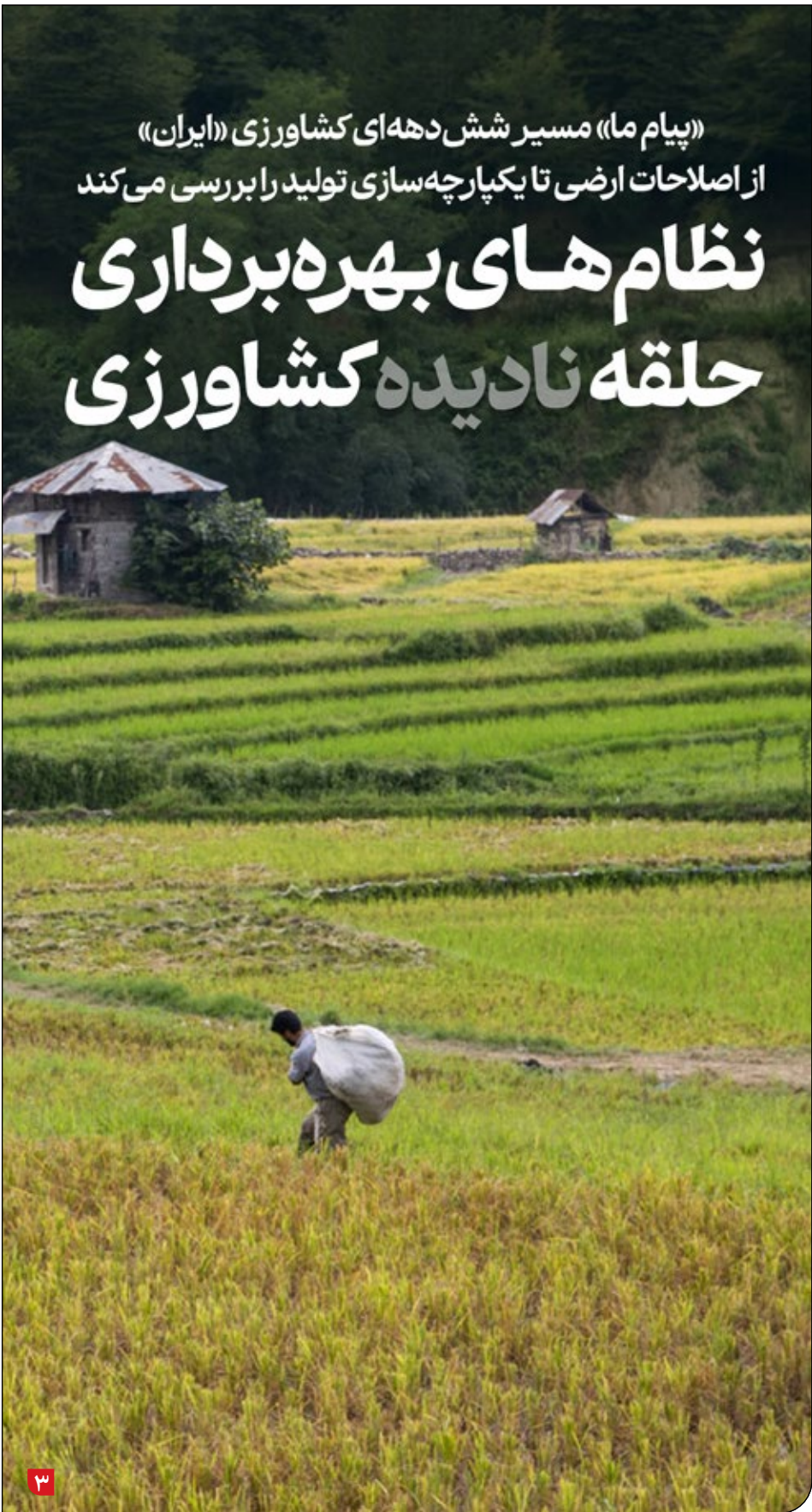




«پیام ما» مسیر شش دهه‌ای کشاورزی «ایران» از اصلاحات ارضی تا یکپارچه‌سازی تولید را بررسی می‌کند نظام‌های بهره‌برداری حلقه نادیده کشاورزی

واکاوی سدسازی و انتقال آب بین حوضه‌ای
در هشتاد و دومین «شب ایران»

پروژه‌های سدسازی زیر فشار نمایندگان

- سیاری، کارشناس منابع آب: بسیاری از مشکلات سدسازی خارج از بدنه کارشناسی «وزارت نیرو» شکل گرفته است
- گلزار، کنشگر محیط زیست: وزارت نیرو نباید ضعف خود را با قدرت دیگران توجیه کند

۵

در آستانه سال تحصیلی جدید، نحوه فعالیت مدارس و کمبود اعتبار آنها همچنان در ابهام است

۲

دشواری آموزش پایه
در آغاز پاییز

دو عقاب، دو مرگ در کرانه باختری

عقاب طلایی پس از چهار دهه به فلسطین بازگشته، اما جنگ، توسعه زیرساخت‌ها و قاچاق همچنان آینده این شکارگر را تهدید می‌کند

معاون جدید زیر ذره بین اهالی صنایع دستی

کارشناسان صنایع دستی درباره نبود سابقه تخصصی «برزین ضرغامی» هشدار می‌دهند و خواستار پرهیز از تصمیم‌های آزمون و خطایی هستند

زنی که آوازش در تاریخ ماند

گفت‌وگو با «الناز بایرام‌زاده» به بهانه انتشار رمان «آواز در عمارت» روایتی از زندگی «ملوک ضرابی»

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی:

دارایی مردم در ۷۰۰۰ تعاونی قفل است

یادداشت

شهروندپیش فرض مدیران شهری

مرد میانسال سالم و توانمند

محمد محمدی |
جامعه پژوه |

آنچه در جلسه با رئیس جمهور درباره محیط زیست دیدم

تخصصی داشته باشد، پروژه‌های چندساله در چند استان اجرا کنند، داده تولید کنند، پژوهش منتشر کنند، نیروی متخصص تربیت کنند، شبکه بین‌المللی بسازد و منابع مالی جذب کند. این‌که حتی در دولتی که واقعا از مشارکت حرف می‌زند، چنین تصویری از ظرفیت نهادی جامعه مدنی هنوز روشن نباشد، برای من بزرگ‌ترین ضربه جلسه بود.

موضوع مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها یا CSR نیز برای من از همین جنس بود. زمانی که مصوبه جدید مربوط به نحوه هزینه‌کرد مسئولیت اجتماعی شرکت‌های دولتی تصویب شد و محیط‌زیست در آن جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد، برای ما بارقه‌ای از امید ایجاد شد. بعدتر که دیدیم این منابع عملاً به تقویت فعالیت‌های غیردولتی منجر نشدند، آن امید کم‌کم شد؛ اما جلسه برای من روشن کرد که احتمالاً فاصله ذهنی جدی‌تری وجود دارد. برداشت من این بود که دولت این منابع را عمدتاً به‌عنوان پولی می‌بیند که قرار است با آن، خود بدنه دولت ـ مستقیم یا غیرمستقیم ـ فعالیت اجتماعی انجام دهد. برای من این تا حد زیادی شبیه جابه‌جا کردن پول از یک جیب دولت به جیب دیگر دولت است. اگر این برداشت غالب باشد، فعلاً نباید امید زیادی داشت که CSR به یکی از مسیرهای تقویت نهادهای مستقل و حرفه‌ای غیردولتی تبدیل شود.

نیمی از زمان محدود خودم را به بخش دیگری اختصاص دادم که برای من مهم و بیانش سخت‌تر بود؛ فشار امنیتی و، مهم‌تر از آن، ابهام امنیتی، تصمیم‌گرفتم این بخش را بدون لکنت و با بیان تجربه شخصی خودم بگویم.

گفتم مسئله فقط این نیست که چه کاری ممنوع است، مسئله این است که فعال و کارشناس غیردولتی اساساً نمی‌دانند مز کجاست؛ چه کاری امروز عادی است و فردا ممکن است مسئله تلقی شود، چه زمانی یک فرد یا نهاد در «فهرست سفید» است و چه زمانی بی‌آن‌که توضیح روشنی داده شود، عملاً در «فهرست سیاه» قرار می‌گیرد. موارد زیادی هم وجود دارد که متخصص‌ترین افراد به‌صورت غیررسمی ممنوع‌الورود یا از فعالیت در یک حوزه کنار گذاشته می‌شوند، بدون آن‌که توضیح مشخص و مسیر قابل‌پیش‌بینی‌ای برای فهم یا حل مسئله وجود داشته باشد.

این وضعیت فقط پروژه‌ها را متوقف نمی‌کند و فقط جلوی توسعه فعالیت بخش غیردولتی را نمی‌گیرد، بلکه فرسودگی شغلی بسیار جدی ایجاد می‌کند و عمرهای باارزش بسیاری را تلف می‌کند. من این را در جلسه به تجربه شخصی خودم پیوند زدم، چون اگر درباره این بخش صریح نباشیم، بخشی از واقعیت کار محیط‌زیستی در ایران را حذف کرده‌ایم.

ادامه مطلب را در سایت پیام ما بخوانید.

است، به‌خصوص در شرایط ناترازی انرژی در سال‌های اخیر مسئله من خود انرژی تجدیدپذیر نیست؛ مسئله این است که اگر موفقیت محیط‌زیستی دولت عمدتاً با شاخص‌های حوزه انرژی و تا حدودی آموزش تعریف شود، بخش بزرگی از آنچه ما «حفاظت از طبیعت» می‌نامیم، باز هم در حاشیه می‌ماند. در شرایط سیاسی و اجتماعی امروز ایران، دیدن این واقعیت در دولت قابل‌درست است، اما برای یک حفاظتگر از ناراحت‌کننده بودنش کم نمی‌کند.

در جلسه، یکی از چیزهایی که برابم واقعا عجیب بود، تأکید شخص رئیس‌جمهور بر استفاده از فناوری، به‌ویژه پهپاد و هوش مصنوعی، در حفاظت از محیط‌زیست بود. پیش از آن‌که حاضران چنین موضوعی را مطرح کنند، خود او گفت در بسیاری از مناطق تحت حفاظت، به‌جای آن‌که صرفاً نیروی بیشتری جذب شود، می‌توان از ترکیب پهپاد و هوش مصنوعی استفاده کرد؛ هم برای کاهش خطر برای محیط‌بانان و هم برای افزایش کارایی. برای من این نگاه، دست‌کم از نظر جهت‌گیری، مثبت بود.

یکی دیگر از چیزهایی که هم در فضای جلسه و هم در صحبت‌ها بسیار روشن بود، آمادگی دولت برای مشارکت بود؛ دست‌کم در سطح گفتار و هدف‌گذاری. شخص «پزشکیان» به‌صورت جدی و بدون تعارف، از مشارکتی که ما برای دولت نداشته‌ایم و از طرفی منافع عمومی و ملی ایجاد کند، بسیار استقبال می‌کرد. تصویب چند حفاظتگاه خصوصی در ماه‌های اخیر هم قدمی مهم برای استفاده از این فرصت بوده است؛ هم از طرف کسانی که این مسیر را در بدنه غیردولتی پیگیری کرده‌اند و هم از طرف دولتی که آن را پذیرفته است. اما اگر قرار باشد از این پنجره استفاده کنیم که از نظر پرنده باید بکنیم، نباید مشارکت را فقط به گشتن حفاظتگاه‌های خصوصی محدود کنیم. البته نمی‌دانم رئیس‌جمهور تا چه میزان در همراه کردن بدنه کارشناسی دولت با سیاست‌هایش موفق می‌شود. واقعیت آن است که بسیاری از غیردولتی‌سازی‌ها در انتظار تأیید مدیران نیستند، بلکه در انتظار گذشتن از سد‌هایی هستند که بدنه دولت ایجاد می‌کند.

و اینجا به بزرگ‌ترین نکته منفی جلسه برای خودم می‌رسم. به نظر می‌رسید تصور رئیس‌جمهور از «سازمان غیردولتی» بسیار محدودتر از چیزی است که یک سازمان غیردولتی حرفه‌ای در حوزه محیط‌زیست می‌تواند باشد. به نظر رسید که تصویر سازمان مردم‌نهاد در ذهن رئیس‌جمهور بیشتر شبیه گروه‌های کوچک محلی بود؛ چند نفر در یک محدوده مشخص، با بدنه‌ای محدود و فعالیتی عمدتاً محلی. این یکی از اشکال مهم جامعه مدنی است، اما تمام آن نیست. یک سازمان غیردولتی می‌تواند صدها عضو و بدنه

۴

ایمان ابراهیمی |
حفاظت‌گر

۲

جلسه‌ای که با حضور دوازده نفر از فعالان محیط‌زیست با رئیس‌جمهور برگزار شد، برای من بیشتر از آن‌که فرصتی برای بیان همه چیزهایی باشد که می‌خواستم بگویم، فرصتی بود برای فهم آنچه در دولت نسبت به فضای غیردولتی محیط‌زیست می‌گذرد. زمان کوتاه بود و من صحبت خودم را عملاً به دو بخش تقسیم کردم: نیمی درباره فشار و ابهام امنیتی‌ای که سال‌هاست بر سر نهادهای و کارشناسان غیردولتی محیط‌زیست وجود دارد و نیمی درباره این‌که اگر نهادهای غیردولتی و ارتباطات بین‌المللی محیط‌زیستی بتوانند واقعا زنده و فعال باشند، چه میزان از بار مالی و اجرایی دولت کم می‌شود و تا چه حد کیفیت حفاظت بالا می‌رود.

۳

اگر قرار است از ظرفیت سمن‌ها و خیریه‌ها در زمان جنگ استفاده شود، رابطه دولت با این نهادها نیز باید متناسب با شرایط تغییر کند.

۴

آن‌ها در چارچوب قانون است. در شرایط عادی ممکن است برخی فرایند‌های اداری قابل‌تحمل باشند، اما در شرایط بحرانی، تأخیر در یک تصمیم یا مجوز می‌تواند فرصتی مهم را از بین ببرد. بنابراین، می‌توان برای شرایط اضطراری سازوکارهای سریع‌تر و مشخص‌تری طراحی کرد؛ سازوکارهایی که در عین حفظ نظارت و شفافیت، مانع فعالیت مؤثر سازمان‌های مردم‌نهاد نشوند. موضوع دوم، استفاده از ظرفیت آن‌ها برای انجام بخشی از کارهایی است که جامعه می‌تواند با کیفیت مناسب انجام دهد. منظور کنار گذاشتن مسئولیت‌های دولت نیست؛ بلکه باید دید کدام بخش از خدمات حمایتی، شناسایی نیازها، کمک به خانواده‌ها، حمایت از بیماران و برخی فعالیت‌های اجتماعی‌رامی‌توان با استفاده از ظرفیت خیریه‌ها و سمن‌ها بهتر و سریع‌تر انجام داد.

۵

ادامه مطلب را در سایت پیام ما بخوانید.

در روزهای جنگ، جامعه را تنها نگذاریم نگاهی به نقش خیریه‌ها، خیرین و سمن‌ها در عبور از بحران

سازمان‌ها در بسیاری از موارد انعطاف بیشتری نسبت به ساختارهای رسمی دارد. یک خیریه گاهی می‌تواند در چند ساعت برای یک نیاز مشخص منابع جمع کند یا گروهی از داوطلبان را برای انجام کاری سازمان‌دهی کند. این ظرفیت در شرایطی که سرعت عمل اهمیت زیادی پیدا می‌کند، مزیت کوچکی نیست.

البته نباید این ویژگی را به معنای بی‌نیازی از هماهنگی با دولت دانست. فعالیت‌های پراکنده و بدون هماهنگی ممکن است حتی در شرایط عادی باعث اتلاف منابع شود و در زمان بحران مشکلات بیشتری ایجاد کند. آنچه اهمیت دارد، قرارگرفتن این ظرفیت اجتماعی در کنار ظرفیت رسمی کشور و ایجاد یک تقسیم‌کار روشن است.

نکته مهم دیگر، سرمایه اجتماعی است. در بسیاری از موارد، مردم به کسی کمک می‌کنند که او را می‌شناسند و به او اعتماد دارند. خیریه‌ها و سمن‌ها در طول سال‌ها فعالیت می‌توانند چنین اعتمادی ایجاد کنند. در زمان بحران، همین اعتماد می‌تواند به‌سرعت به کمک، داوطلبی و مشارکت تبدیل شود.

جنگ همچنین می‌تواند احساس همدلی و همبستگی را در جامعه افزایش دهد. بسیاری از افرادی که در شرایط عادی فرصت یا انگیزه مشارکت اجتماعی ندارند، در زمان بحران حاضرند بخشی از وقت، توان یا دارایی خود را در اختیار دیگران قرار دهند. سمن‌ها و خیریه‌ها می‌توانند این احساس همدلی را از یک واکنش پراکنده و کوتاه‌مدت به مشارکتی سازمان‌یافته و مؤثر تبدیل کنند.

به همین دلیل، بحران فقط دوران کمبودها نیست؛ گاهی فرصتی است برای اینکه ظرفیت‌هایی را که در روزهای عادی کمتر دیده می‌شوند، بهتر بشناسیم و به کار بگیریم.

دولت چه باید بکند؟

اگر قرار است از ظرفیت سمن‌ها و خیریه‌ها در زمان جنگ استفاده شود، رابطه دولت با این نهادها نیز باید متناسب با شرایط تغییر کند.

اولین اقدام، فراهم کردن آزادی عمل بیشتر برای آن‌ها در چارچوب قانون است. در شرایط عادی ممکن است برخی فرایند‌های اداری قابل‌تحمل باشند، اما در شرایط بحرانی، تأخیر در یک تصمیم یا مجوز می‌تواند فرصتی مهم را از بین ببرد. بنابراین، می‌توان برای شرایط اضطراری سازوکارهای سریع‌تر و مشخص‌تری طراحی کرد؛ سازوکارهایی که در عین حفظ نظارت و شفافیت، مانع فعالیت مؤثر سازمان‌های مردم‌نهاد نشوند. موضوع دوم، استفاده از ظرفیت آن‌ها برای انجام بخشی از کارهایی است که جامعه می‌تواند با کیفیت مناسب انجام دهد. منظور کنار گذاشتن مسئولیت‌های دولت نیست؛ بلکه باید دید کدام بخش از خدمات حمایتی، شناسایی نیازها، کمک به خانواده‌ها، حمایت از بیماران و برخی فعالیت‌های اجتماعی‌رامی‌توان با استفاده از ظرفیت خیریه‌ها و سمن‌ها بهتر و سریع‌تر انجام داد.

ادامه مطلب را در سایت پیام ما بخوانید.

۳

افشین فرهانچی |
ادمینکل ادارکل سازمان‌های مردم‌نهاد و خیرین سلامت وزارت بهداشت |

۴

وقتی جنگ آغاز می‌شود، نخستین تصاویر معمولاً مربوط به میدان نبرد، تخریب ساختمان‌ها و جابه‌جایی مردم است. اما جنگ خیلی زود از این تصاویر فراتر می‌رود و خود را در زندگی روزمره مردم نشان می‌دهد؛ در اقتصاد خانواده‌ها، در وضعیت بیماران، در زندگی کودکان و سالمندان، در معیشت گروه‌های کم‌برخوردار و در بسیاری از نیازهایی که شاید در روزهای عادی کمتر دیده شوند.

۵

در چنین شرایطی، همه نگاه‌ها به دولت و دستگاه‌های رسمی معطوف می‌شود و البته این طبیعی است. دولت مسئولیت اصلی مدیریت بحران را بر عهده دارد، اما هیچ دولتی، حتی با گستردترین امکانات، نمی‌تواند در شرایط جنگی پاسخ‌گوی همه نیازهای جامعه باشد. درست در همین نقطه است که نقش سازمان‌های مردم‌نهاد، خیریه‌ها و خیرین اهمیت پیدا می‌کند.

۶

بایان حال، درباره نقش این نهادها در جنگ نباید فقط از یک زاویه نگاه کرد. سمن‌ها و خیریه‌ها از یک طرف خود تحت تأثیر جنگ قرار می‌گیرند و ممکن است توانشان برای ادامه فعالیت کاهش پیدا کند و از طرف دیگر در همان زمان، جامعه بیش از گذشته به آن‌ها نیاز پیدا می‌کند. این دوگانه شاید مهم‌ترین نکته‌ای باشد که در سیاست‌گذاری برای فعالیت سمن‌ها و خیریه‌ها در شرایط بحران باید مورد توجه قرار گیرد.

۷

جنگ، سمن‌ها و خیریه‌ها را هم تحت فشار قرار می‌دهد

۸

گاهی در زمان بحران از خیریه‌ها و سمن‌ها انتظار می‌رود که فعالیت خود را بیشتر کنند، اما کمتر به این موضوع توجه می‌شود که خود این سازمان‌ها نیز بخشی از جامعه‌اند و از پیامدهای جنگ در امان نیستند. نخستین مشکل، منابع مالی است. بسیاری از خیرین در شرایط جنگی با افزایش هزینه‌های زندگی و نگرانی نسبت به آینده رویه‌رو می‌شوند. در چنین شرایطی، ممکن است میزان کمک‌های آنان کاهش پیدا کند یا اولویت‌هایشان تغییر کند. منابعی که در گذشته برای ساخت مدرسه، خرید تجهیزات یا اجرای یک برنامه اجتماعی اختصاص می‌یافت، ممکن است ناگهان به تأمین یک نیاز فوری اختصاص داده شود. هم‌زمان، نیازها بیشتر می‌شود. خانواده‌هایی که پیش از جنگ نیز با مشکلات اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کردند، معمولاً در دوران بحران آسیب‌پذیرتر می‌شوند. بیماران،



اسعد الشمالی

«عقاب طلایی» پس از چهار دهه به فلسطین بازگشته، اما جنگ، توسعه زیرساخت‌ها و قاچاق همچنان آینده این شکارگر را تهدید می‌کند

دو عقاب، دو مرگ در کرانه باختری

بزرگ‌ترین تهدید، نه‌تنها برای عقاب طلایی، بلکه برای بسیاری از پرندگان منطقه

در میان انبوه خبرها دربارهٔ ویرانه‌های «غزه»، سرنوشت فلسطینی‌ها و شهرک‌سازی‌های «اسرائیل» در «کرانه باختری»، گروهی از پژوهشگران پس از چهار دهه، زادآوری «عقاب طلایی» را در ارتفاعات «کرانه باختری» ثبت کردند. دو جوجه‌عقاب اما، مانند بسیاری از ساکنان این منطقه، عاقبت خوبی نداشتند؛ یکی از آنها در برخورد با کابل‌های برق تلف شد و دیگری را قاچاقچیان ربودند.
باین حال، این پژوهش نشان داد کرانه باختری همچنان زیستگاهی مناسب برای این گونه است. «محمود کل‌نگری»، نماینده «کمیته حفاظت از عقاب طلایی» در غرب آسیا، یکی از سه پژوهشگر و نویسنده مقاله «بازگشت عقاب طلایی برای زادآوری به کرانه باختری، فلسطین: مرگ جوجه‌ها در هر دو تلاش» است. او در گفت‌وگو با «پیام ما»، چالش‌های اجرای این پژوهش و نتایج آن را شرح داد.



در کشورهای

درحال توسعه

اگر توسعه زیرساخت‌ها

هم‌زمان با آموزش

ارزیابی اثرات

محیط‌زیستی و اقدامات

حفاظتی پیش نرود

پیامد آن حذف جوجه‌ها

و پرندگان نابالغ از

جمعیت و افزایش

تلفات پرندگان است

خزارش |

عقاب‌های طلایی برای زادآوری به فلسطین برگشتند

اپیام ما| عقاب طلایی (Aquila chrysaetos)، از پرندگان شکاری مهم جهان، سال‌هاست در فلسطین به‌ندرت دیده می‌شود. پژوهشی تازه از «سعدل. الشومالی»، «الیاس ن. هندل» و «محمود کلنگری» که در مجله تخصصی پررنده‌شناسی «Avocetta» منتشر شده، نخستین تلاش‌های ثبت‌شده این گونه برای زادآوری در «کرانه باختری» طی بیش از چهار دهه را گزارش کرده‌اند. پژوهشگران از اکتبر ۲۰۲۱ تا ژوئن ۲۰۲۳، هر دو هفته یک‌بار در «وادی سعیر» و «ذخیره‌گاه طبیعی الکئوب» پایش‌انجام دادند. در هر یک از این دو منطقه، یک آشیانه فعال شناسایی شد که در هرکدام یک جوجه وجود داشت و جوجه‌ها حلقه‌گذاری شدند. پوشش زمین در هر دو منطقه لانه‌سازی عمدتاً از علفزارهای باز تشکیل شده بود. میزان مزاحمت انسانی در «وادی سعیر» به‌مراتب بیشتر و عمدتاً ناشی از وجود اراضی بایین‌حال، هر دو تلاش برای زادآوری در نهایت شکست خوردند. جوجه آشیانه سال ۲۰۲۲ به‌طور غیرقانونی از لانه برداشته شد و جوجه‌ای که در سال ۲۰۲۳ پرواز از لانه را آغاز کرده بود، بر اثر برق‌گرفتگی تلف شد. عملیات میدانی در سال‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ به‌دلیل بی‌ثباتی منطقه‌ای متوقف شد. نویسندگان دراین مقاله، «بوم‌شناسی لانه‌سازی، ترکیب طعمه‌ها، تهدیدها و پیامدهای حفاظتی این یافته‌ها را بررسی کرده‌اند و بر ضرورت فوری حفاظت از محل‌های لانه‌سازی و کاهش خطرات ناشی از فعالیت‌های انسانی برای تداوم حضور عقاب طلایی در «کرانه باختری» تأکید می‌کنند.

بازگشت عقاب طلایی پس از چهار دهه

عقاب طلایی یکی از پرندگان شکاری نیم‌کره شمالی است و به‌طور معمول در چشم‌اندازهای کوهستانی، مناطق باز و صخره‌های سنگی زندگی می‌کنند. پراکنش این گونه «آمریکای شمالی»، «اروپا»، «شمال آفریقا» و بخش بزرگی از «آسیا» را دربرمی‌گیرد و جمعیت‌های آن در حوزه «مدیترانه» و «خاورمیانه» پراکنده و تکه‌تکه هستند. عقاب‌های طلایی معمولاً برای صخره‌ها و در مناطق دورافتاده زادآوری می‌کنند و برای لانه‌سازی موفق به کمترین میزان مزاحمت انسانی و منابع غذایی فراوان نیاز دارند. رژیم غذایی آنها معمولاً شامل پستانداران و پرندگان با

صنعتی شدن، احداث جاده‌ها و توسعه خطوط انتقال برق، باعث ایجاد تنش‌هایی در اکوسیستم شده‌اند که در نهایت به رأس هرم غذایی نیز منتقل می‌شوند. بنابراین، باید میان بازگشت گونه و بازیابی جمعیت پایدار تفاوت قائل شد.

این کشف چه تأثیری بر ارزیابی ما از پراکنش عقاب طلایی در خاورمیانه دارد؟

این یافته نشان می‌دهد که پراکنش عقاب طلایی در منطقه احتمالاً پیچیده‌تر از چیزی است که تاکنون تصور می‌کردیم و این گونه می‌تواند در شرایط مناسب، دوباره در زیستگاه‌هایی که مدت‌ها از آنها ناپدید شده بود، مستقر شود. همچنین، این موضوع اهمیت نگاه منطقه‌ای به حفاظت از پرندگان شکاری را نشان می‌دهد، زیرا این پرندگان محدود به مرزهای سیاسی نیستند.

این پژوهش به وجود این آشیانه‌هایی برید و تصمیم گرفتید این پژوهش را انجام دهید؟

پیدا کردن آشیانه‌ها را پژوهشگران فلسطینی انجام دادند. برخلاف تصویری که ممکن است درباره شرایط پژوهش در «فلسطین» وجود داشته باشد، پژوهشگران توانمند و بسیار پرتلاشی در این منطقه فعالیت می‌کنند. «سعد الشومالی» و «الیاس هندل» دو نمونه از این پژوهشگران هستند که نام آنها به‌عنوان پژوهشگر و نویسنده این مقاله نیز آمده است.

پیدا کردن آشیانه عقاب طلایی در چنین منطقه‌ای با چه دشواری‌هایی همراه بود؟

هرگونه فعالیت پژوهشی، به‌ویژه پژوهش‌های میدانی، در منطقه‌ای که یکی از پرتنش‌ترین مناطق جهان محسوب می‌شود، با خطرات زیادی همراه است. در «کرانه باختری» حتی برنامه‌ریزی برای پژوهش هم دشوار است. شما نمی‌توانید در منطقه‌ای که هر از چندگاهی سایه بمب و موشک بر سر پژوهشگر وجود دارد، به‌راحتی یک برنامه بلندمدت یا حتی میان‌مدت داشته باشید.

از چه روش‌هایی برای پایش آشیانه‌ها استفاده کردید؟

روش‌های پایش و شمارش پرندگان شکاری به چند شکل انجام می‌شود. یکی از روش‌ها، حرکت با سرعت پایین در خودرو و جست‌وجوی پرندگان است. روش دیگر، پیمایش مسیرهایی است که از قبل مشخص شده‌اند و پژوهشگر به‌صورت پیاده آنها را طی و پرندگان مشاهده‌شده را شناسایی و ثبت می‌کند.

ریشه‌شدن جوجه نخست چگونه مشخص شد؟ آیا سرنخی درباره عوامل وجود داشت؟

هم‌ریان با این پژوهش، پژوهش دیگری درباره تجارت غیرقانونی حیات‌وحش انجام می‌شد. بلافاصله پس از اینکه مشخص شد پررنده نابالغ از آشیانه ناپدید شده است، مشخص شد همان پررنده را فردی متخلف در بازار غیرقانونی برای فروش عرضه کرده است. البته شناسایی عامل یا عوامل این کار در چارچوب پژوهش ما نبود و این موضوع از محور اصلی مطالعه فاصله داشت. آنچه برای ما اهمیت داشت، این بود که در نهایت پررنده از اکوسیستم حذف شده بود.

برق‌گرفتگی جوجه دوم چگونه رخ داد؟

بهتر است درباره این پررنده از عبارت «پرنده نابالغ» استفاده کنیم، چون این اتفاق در سال دوم زندگی پررنده رخ داده بود. برق‌گرفتگی یکی از مهم‌ترین عوامل مرگ‌ومیر پرندگان شکاری در جهان است و یکی از سه محور اصلی بحث متخصصان در سمپوزیوم‌ها و نشست‌های مرتبط با حفاظت از پرندگان شکاری محسوب می‌شود.

با توجه به اینکه در بسیاری از مناطق «فلسطین» اقدامات لازم برای ایمن‌سازی خطوط برق انجام شده است، تلفات پرندگان در اثر برخورد با برق‌گرفتگی قابل‌انتظار است. این پررنده نیز حلقه‌گذاری شده بود و پس از پیدا شدن لاشه، مشخص شد که همان پررنده‌ای

است که در این پروژه ثبت کرده بودیم.
آیا احتمال می‌دهید جوجه‌ها با پررنده‌های نابالغ دیگری نیز در سال‌های گذشته به همین شکل از بین رفته باشند؟
بله، ما احتمال می‌دهیم موارد دیگری نیز وجود داشته باشد که به‌ویژه در اثر برق‌گرفتگی از بین رفته‌اند. اتفاقاً یکی از موضوعاتی که سرآغاز همکاری من به‌عنوان نماینده کمیته حفاظت از «عقاب طلایی» در غرب آسیا با فعالان فلسطینی شد، همین مسئله بود. این موضوع نشان می‌دهد که حفاظت از این گونه تا چه اندازه به مسئله خطوط برق و ایمن‌سازی زیرساخت‌های انرژی وابسته است.

شما در این پژوهش به نزدیک‌شدن آشیانه‌ها به مناطق کشاورزی اشاره کردید. آیا این نزدیکی نشانه‌سازی این گونه است یا نتیجه محدودشدن زیستگاه‌های طبیعی؟

می‌توان گفت عقاب طلایی از آن دسته گونه‌هایی است که طی قرن‌ها توانسته سازگاری خود را با محیط افزایش دهد و با چشم‌اندازهایی که انسان در آنها دستکاری کرده است، خود را تطبیق دهد.

اما این به‌معنای مصون‌بودن گونه از فشارهای انسانی نیست. عقاب طلایی به‌عنوان یک شکارگر رأس هرم غذایی، به‌هر تغییری در اکوسیستم حساس است. کاهش جمعیت طعمه‌ها، مسمومیت‌ها، تغییر چشم‌انداز و تغییر پوشش سرزمین، همگی می‌توانند بر موفقیت زادآوری این پررنده تأثیر بگذارند. حتی امکان تجمع زیستی مواد سمی و آلاینده‌ها در بدن آن وجود دارد.

به نظر شما بزرگ‌ترین تهدید پیش‌روی عقاب طلایی در فلسطین چیست؟

به نظر من، بزرگ‌ترین تهدید نه‌تنها برای عقاب طلایی، بلکه برای بسیاری از پرندگان منطقه، ناآرامی‌ها و نظامی‌شدن منطقه است. فعالیت‌های نظامی می‌توانند به تکه‌تکه‌شدن زیستگاه‌ها منجر شوند. در کنار آن، تراکم بالای جمعیت انسانی نیز فشار زیادی ایجاد می‌کند.

وقتی به اطراف آشیانه‌ها نگاه می‌کنیم، مناطق مسکونی، جاده‌ها و زیرساخت‌های مختلف را می‌بینیم که در میان زیستگاه‌ها کشیده شده‌اند. این فشارهای انسانی به‌وضوح در این پژوهش نیز منعکس شده است.

نقش قاچاق یا شکار غیرقانونی در کاهش جمعیت این گونه چندر جدی است؟

شکار و زنده‌گیری غیرقانونی پرندگان شکاری در بسیاری از نقاط دنیا، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، وجود دارد. در مواردی شاهدیم که برخی به‌دلیل این تصور که می‌توان این پرندگان را در خانه نگهداری کرد، آنها را از طبیعت خارج می‌کنند. در «ایران» هم بارها اخبار مربوط به زنده‌گیری و خریدوفروش غیرقانونی پرندگان شکار منتشر شده است. برای رفع این چالش، آموزش و افزایش آگاهی عمومی نقش بسیار مهمی دارد.

جنگ و بی‌ثباتی سیاسی چه تأثیری بر حفاظت از حیات‌وحش، به‌ویژه پرندگان، در منطقه گذاشته‌اند؟

جنگ و بی‌ثباتی سیاسی امکان برنامه‌ریزی جامع برای حفاظت از حیات‌وحش را از بین می‌برد. شما به‌عنوان پژوهشگر یا حفاظتگر نمی‌توانید در چنین شرایطی یک برنامه بلندمدت و حتی میان‌مدت برای حفاظت داشته باشید. به نظر می‌رسد اتفاقی که در «ایران» نیز طی چند ماه گذشته و در پی جنگ رخ داده، تا حدی مشابه باشد. منطقه پراشوب «خلیج فارس» نیز نمونه دیگری است که می‌توان درباره آن صحبت کرد.

شما از برق‌گرفتگی به‌عنوان یکی از دلایل اصلی تلف‌شدن پرندگان شکاری نام بردید. به این ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت بین افزایش زیرساخت‌ها و کاهش موفقیت زادآوری این گونه ارتباط وجود دارد؟

میان توسعه برخی زیرساخت‌های انرژی و توان بقای گونه

می‌تواند رابطه‌ای معکوس وجود داشته باشد. این موضوع به‌ویژه در مورد زیرساخت‌هایی که خطر برق‌گرفتگی یا برخورد پرندگان با خطوط انتقال برق را افزایش می‌دهند، مصداق دارد. البته این بدان معنا نیست که ما مخالف زیرساخت برای جوامع انسانی هستیم؛ مسئله بر سر استاندارد‌بودن این زیرساخت‌هاست. خطوط برق و سایر زیرساخت‌های انرژی، از جمله برخی نیروگاه‌های خورشیدی، می‌توانند در صورت مکان‌یابی یا طراحی نامناسب بر پرندگان اثر بگذارند.

در کشورهای در حال توسعه، اگر توسعه زیرساخت‌ها هم‌زمان با آموزش، ارزیابی اثرات محیط‌زیستی و اقدامات حفاظتی پیش نرود، پیامد آن افزایش تلفات پرندگان تا حذف جوجه‌ها و پرندگان نابالغ از جمعیت است.

میان تهدیدهایی که عقاب‌های طلایی در ایران و فلسطین با آنها روبه‌رویند، چه شباهت‌هایی وجود دارد؟

یکی از مهم‌ترین شباهت‌ها، مشارکت ناکافی عمومی در حفاظت است. در حوزه فنی نیز مسئله خطوط برق ناایمن و محقق‌نشدن هم‌زیستی مناسب میان شبکه‌های برق و پرندگان، در هر دو منطقه دیده می‌شود. این مسئله می‌تواند نقطه آغاز همکاری‌های بیشتری میان کشورهای منطقه باشد.

یک جمله زیبا درباره پرندگان وجود دارد با این مضمون که پرندگان ملت‌ها را به یکدیگر متصل می‌کنند. به‌ویژه پرندگانی که پروازهای طولانی دارند و از قلمرو کشورهای مختلف عبور می‌کنند، ما را به یکدیگر متصل می‌کنند. اگر بخواهیم از پرندگانی که قلمروهای وسیع دارند حفاظت کنیم، چاره‌ای جز همکاری فرامرزی نداریم.

آیا امکان اجرای یک برنامه منطقه‌ای برای حفاظت از پرندگان شکاری در خاورمیانه وجود دارد؟

ما به یک برنامه منطقه‌ای نیاز داریم که خلأ آن به‌شدت احساس می‌شود. بسیاری از کشورهای عربی منطقه، حتی اگر کشورهای پهناوری هم نباشند، با مسائل مشترک حفاظتی روبه‌رو هستند. اما تنش و اصطکاک میان کشورها تأثیر منفی زیادی بر شکل‌گیری چنین همکاری‌هایی گذاشته است.

در بسیاری از مواقع، ایده همکاری منطقه‌ای به‌دلیل مسائل ژئوپلیتیک کنار گذاشته می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد که متأسفانه همکاری به‌شدت تحت‌تأثیر این مسائل قرار گرفته و تاکنون یک برنامه منطقه‌ای جامع شکل نگرفته است. در نتیجه، در آینده نزدیک نیز چشم‌انداز روشنی برای شکل‌گیری چنین برنامه‌ای وجود ندارد.

با توجه به اینکه بررسی‌های میدانی در سال‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ به‌دلیل شرایط منطقه متوقف شد، چه بخش‌هایی از وضعیت عقاب‌های طلایی فلسطین همچنان ناشناخته مانده است؟

«نوار غزه» یکی از مناطقی است که همچنان نیاز به بررسی و پژوهش دارد. می‌دانیم که یکی از متراکم‌ترین جوامع انسانی در این منطقه شکل گرفته و فشارهای انسانی بر حیات‌وحش بسیار زیاد است. باین‌حال، «غزه» می‌تواند از نظر پژوهشی نمونه بسیار مهمی برای مطالعه اثر فشارهای انسانی و جنگ بر حیات‌وحش باشد. متأسفانه این موضوع نیز به حاشیه رفته است و تصور نمی‌کنم در کوتاه‌مدت یا میان‌مدت شرایطی فراهم شود که حتی پژوهشگران فلسطینی بتوانند به‌طور منظم در این زمینه پژوهش میدانی انجام دهند.

دیگری پس از ترک لانه بر اثر برق‌گرفتگی تلف شد. بررسی پژوهشگران نشان می‌دهد که بقای جوجه‌ها به‌شدت تحت‌تأثیر عوامل انسانی قرار دارد؛ از جمله مزاحمت در زیستگاه و برق‌گرفتگی ناشی از خطوط انتقال برق.

در «ذخیره‌گاه طبیعی الکئوب»، تنها جوجه این لانه اندکی پس از ترک آشیانه بر اثر برق‌گرفتگی تلف شد. این اتفاق خطر ناشی از خطوط انتقال برق با عایق‌بندی نامناسب را برجسته می‌کند؛ به‌ویژه زمانی که فاصله‌هوائی میان اجزای برق‌دار را بدن پررنده پوشش دهد.

ضرورت حفاظت از لانه‌ها و خطوط برق

پوهشگران اقدام‌هایی مانند افزایش آگاهی عمومی، حفاظت قانونی از محل‌های لانه‌سازی، نصب موانع برای جلوگیری از نشستن پرندگان روی سازه‌های خطرناک، استفاده از پوشش‌ها و تجهیزات محافظ و هماهنگی با «سازمان کیفیت محیط‌زیست فلسطین» را از جمله اقدامات لازم برای حفاظت از عقاب طلایی دانسته‌اند.

مشاهدات میدانی در سال‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ به‌دلیل ناآرامی‌های سیاسی محدود شد، اما پژوهشگران احتمال می‌دهند مناطق کوهستانی کمتر بررسی‌شده نیز میزان جفت‌های بیشتری از عقاب طلایی باشند.

به باور نویسندگان، مشارکت جوامع محلی در پایش و حفاظت از لانه‌ها می‌تواند به بهبود نتایج حفاظت کمک کند. یافته‌های این پژوهش نیز نشان می‌دهد که بازگشت عقاب طلایی به «کرانه باختری»، اگرچه پس از بیش از چهار دهه رخدادی مهم است، بدون حفاظت از محل‌های لانه‌سازی، جلوگیری از برداشت غیرقانونی جوجه‌ها و ایمن‌سازی زیرساخت‌های برق، نمی‌تواند به‌تنهایی تضمینی برای بقای این گونه در منطقه باشد.



اسعد الشمالی |

محیط زیست

روزنامه

واکاوی سدسازی وانتقال آب بین حوضه‌ای در هشتادودومین «شب ایران»

پروژه‌های سدسازی زیر فشار نمایندگان

❖ سیاری، کارشناس منابع آب؛ بسیاری از مشکلات سدسازی خارج از بدنه کارشناسی وزارت نیرو شکل گرفته است

❖ گلزار، کنشگر محیط‌زیست: وزارت نیرو نباید ضعف خود را با قدرت

دیگران توجیه کند



سال‌هاست وزارت نیرو در برابر انتقاده‌ها به سدسازی و پروژه‌های انتقال آب، یکی از اصلی‌ترین طرف‌های پاسخ‌گو بوده است؛ اما «مجید سیاری»، کارشناس منابع آب و مدیریت سوانح طبیعی، معتقد است بخشی از تصمیم‌هایی که به اجرای پروژه‌های مسئله‌دار آبی منجر شده، تحت‌تأثیر فشار نمایندگان مجلس گرفته شده است. او در هشتادودومین «شب ایران» نمونه‌هایی از دخالت نمایندگان در روند تصویب و تأمین بودجه پروژه‌های سدسازی را روایت کرد؛ روایتی که «حنیف‌رضا گلزار»، کنشگر و پژوهشگر محیط‌زیست، با آن بخش از ماجرا که مسئولیت وزارت نیرو را کمرنگ می‌کند، موافق نیست.

تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت» و ضرورت تصویب طرح‌ها پیش از اجرا گفت: «طبق این ماده باید ده‌ها مجوز، مانند مصوبه مطالعات، مجوز محیط‌زیست، مجوز میراث‌فرهنگی و موارد دیگر داشته باشیم. نخستین مجوز، مصوبه مطالعات است. مطالعات باید فازهای یک و دو مصوب داشته باشند و سپس طرح به مرحله اجرا برسد. در زمان کاری من، نماینده‌ای برای پیگیری طرح می‌آمد. ما می‌دیدیم که حتی فاز یک مطالعه این سد انجام نشده است، اما او از ما می‌خواست که مثلاً یک ردیف با عنوان ایجاد زیرساخت‌ها بگذاریم تا جاده دسترسی را بکشند. ما قبول نمی‌کردیم. در ترتیبون می‌گفتند سد بدون مطالعه به اجرا نمی‌رود، اما پشت تربیون از ما می‌پرسیدند چه زمانی مناقصه را بزرگ‌ار می‌کنید؟»

او در مثالی دیگر گفت: «مطالعات فاز یک برای دو سد در استان «زنجان» در دست انجام بود. یک نماینده تأثیرگذار این دو سد را که ما نمی‌خواستیم در لایحه باشند، به پیوست اضافه کرده و یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان برای آن‌ها بودجه گذاشته بود. سال بعد عدد یک را پشت بودجه گذاشت و آن را به ۱۱ میلیارد تومان رساند. در نهایت هم سد‌ها ساخته شدند.»

این کارشناس آب از موضوع دخالت نمایندگان درسدسازی نتیجه گرفت: «وزارت نیرو در سدسازی اشتباهاتی داشته است، اما فقط ۱۰ درصد آن به‌دلیل کار کارشناسی اشتباه بوده است. در واقع، دلیل بسیاری از مشکلات سدسازی خارج از بدنه کارشناسی وزارت نیرو است.»

❖ فقط ۱۰ درصد اشتباهات ناشی از کارشناسی است

سیاری درباره ماده ۲۳ «قانون الحاق برخی مواد به قانون

اخبار

ریزپلاستیک‌ها به رسوبات خلیج فارس رسیدند

نتایج پژوهش مشترک «پژوهشگاه ملی اقیانوس‌شناسی و علوم جوی» و «دانشگاه شهید بهشتی» از وجود ریزپلاستیک‌ها در رسوبات فراساحلی خلیج فارس خبر می‌دهد.
به گزارش روابط‌عمومی «پژوهشگاه ملی اقیانوس‌شناسی و علوم جوی»، این پژوهش به سرپرستی اعلی مهدی‌نیا، رئیس «پژوهشگاه ملی اقیانوس‌شناسی و علوم جوی»، برای نخستین‌بار به ارزیابی کمی و کیفی ریزپلاستیک‌ها در رسوبات فراساحلی خلیج فارس پرداخته است. در این مطالعه که با بررسی ۳۹ ایستگاه انجام شده است، غلظت ۵ تا ۴۵ ذره ریزپلاستیکی در هر کیلوگرم رسوب شناسایی شده و منطقه‌ای در شمال‌غرب خلیج فارس، در محدوده مصب رودخانه‌های «اروند»، «کارون» و «هندجان»، به عنوان یکی از نواحی با ریسک اکولوژیک بالاتر معرفی شده است.
آتالیز پلیمرها با استفاده از میکروسکوپ رaman نشان داد پلی‌اتیلن‌ترفتالات (PET)، ماده اصلی سازنده بطری‌های آب معدنی و الیاف پلی‌استر، با ۴۱ درصد فراوان‌ترین پلیمر شناسایی‌شده است. پس از آن، پلی‌اتیلن (PE) با ۲۳ درصد، پلی‌پروپیلن (PP) با ۱۵ درصد، پلی‌وینیل‌کلراید (PVC) با ۱۰ درصد، پلی‌آمید (PA) با ۶ درصد و پلی‌استایرن (PS) با ۵ درصد قرار

ساخت بعضی سد‌ها با جانمایی اشتباه بی‌تقصیر بوده است، گفت: «دربارۀ سد‌های «فینسک»، «سچارود» و بسیاری از پروژه‌های دیگر با افرادی روبه‌رو شده‌ایم که می‌خواستند سد به هر قیمتی ساخته شود، اما مسئله اینجاست که برای مدیریت آب، ساختاری تشکیل شده و منطقی نیست که این ساختار وقتی نقدی می‌شوند، آن را ناشی از قدرت دیگران بدانند.»

البته او در ادامه، مثالی از قدرت نمایندگان «مجلس» آورد: «بعد از هفت سال کنش‌وقوس درباره سد «فینسک»، در نهایت نماینده «سمنان» موفق شد مجوز کشیدن خط لوله و جاده ۶۰ کیلومتری را از داخل «منطقه حفاظت‌شده پرور» برای سدی بگیرد که هنوز احداث نشده است. حالا چراسد ساخته نمی‌شود؟ چون بین پایین‌دست و بالادست اختلاف به‌وجود آمده است. در واقع، پول مردم را بیهوده خرج می‌کنند تا برای خود رأی جمع کنند. این موضوع را می‌توان به همه بخش‌های کشور تسری داد.»

❖ شاید وزارت نیرو نمی‌خواهد از این فشار خارج شود

اعتراض گلزار این است که وزارت نیرو نباید در را باز بگذارد تا نمایندگان بتوانند قدرت‌نمایی کنند و حرف خود را به کرسی بنشانند. او گفت: «چرا تاکنون هیچ وزیری، پذیرفتن پست وزارت نیرو را مشروط به این نکرده است که هیچ نماینده‌ای حق ورود به ساختمان او را نداشته باشد؟ او به‌عنوان وزیر نیرو باید بتواند بدون فشار نمایندگان، مدیران محلی و بقیه افراد، کار کارشناسی انجام دهد. نباید منکر آن شد که مجموعه مدیریتی خودش تا به امروز نخواست‌ه است این فشار را بشکند، چون قطعاً ارتباطاتی در این میان وجود داشته است. کسی می‌تواند مطمئن باشد که برای مثال، پیمانکاران با بدنه اجرائی و تصمیم‌گیرنده کشور هیچ ارتباطی ندارند؟» گلزار از یکسان‌بودن شیوه تفکر تصمیم‌گیران در «ایران»، چه در دوران «پهلوی» و چه پس از «انقلاب اسلامی»، گفت: «من دو اسکناس ۲۰ تومانی و ۲۰۰ هزار تومانی را با هم مقایسه کردم. روی اسکناس ۲۰۰ تومانی عکس سد «امیرکبیر» است و روی اسکناس ۲۰۰ هزار تومانی تصویر سد «کارون ۳». این موضوع نشان‌دهنده آن است که نظام مدیریت منابع آب کشور تفکر مشابهی داشته است. تنها چیزی که از آن زمان تغییر کرده، اعداد و ارقام بوده است.»

❖ چرا وزارت نیرو حریف یک نماینده مجلس نمی‌شود؟

این کنشگر محیط‌زیست نمونه‌هایی از آسیب سد‌ها به طبیعت و جوامع محلی را برشمرد و گفت: «طول مخزن سد «کارون ۳» تقریباً ۶۰ کیلومتر است. مساحت پهنه‌ای که با احداث سد «کارون ۳» زیر آب رفته، پنج هزار هکتار در قلب جنگل‌های بلوط «زاگرس» است. براساس آمار دولت، حدود دو هزار و ۵۰۰ اصله درخت بلوط کهنسال از بین رفته است. ۱۵ هزار نفر مجبور به کوچ اجباری و آوارگی شده‌اند که از این تعداد، هشت هزار نفر کشاورز بودند و پس از آن به حاشیه‌نشین شهرها تبدیل شدند. اجرای یک پروژه عمرانی تبعات فراوانی به همراه دارد. البته این وقایع را می‌توان به سایر سد‌ها هم تعمیم داد. سد «فینسک» هم قرار است سه روستا و یک منطقه باستانی مربوط به دوران «اشکانیان» را به‌طور کامل زیر آب ببرد. همه این کار‌ها هم برای فروشاندن عوشت آرم‌دست یک نماینده مجلس است که وزارت نیرو نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد.»

به گفته گلزار، «سازمان بازرسی کل کشور» درباره سد «فینسک» گزارشی ۴ صفحه‌ای نوشته، اما در انتهای آن اضافه کرده است که باید مطالعات مجدد انجام شود. او همچنین نامی از مدیران منابع آب را نشان داد که در آن نوشته شده بود ساخت سد «فینسک» برای تأمین آب شرب مردم «سمنان»، ۴۰ درصد هزینه بیشتری نسبت به دو گزینه دیگر به بیت‌المال تحمیل می‌کند. او گفت: «وقتی وزارت نیرو چنین پروژه درباره این سد گفته است، پس چه دست‌گوهی پشت پرده است که وزارت نیرو نمی‌تواند حریف یک نماینده شود؟ مگر نماینده مجلس چه قدرتی دارد که در چنین مسائلی دخالت می‌کند؟»

❖ یکی جریان ضرر‌های مردم کار۱ انجام نمی‌شود

به گفته او، هنگام ساخت سد «امیرکبیر» وزیر آب رفتن دو روستا، دو سکونتگاه استاندارد به نام‌های «واریان» و «زنان نو» برای مردم آن منطقه ساخته شد تا در حاشیه شهر‌ها آواره نشوند. او گفت: «حالا ما سد‌های حجیم‌تر و بزرگ‌تری ساخته‌ایم، اما همین کار را هم برای مردم انجام نداده‌ایم تا آواره نشوند. قیمتی که برای اراضی «فینسک» تعیین کرده‌اند، ۶۰۰ هزار تومان است که از قیمت یک مترمربع موکت کمتر است. گفته‌اند یا همین مبلغ را دریافت می‌کنید یا هیچ چیزی دست‌تان را نمی‌گیرد.»

❖ میزان رواناب‌ها کم، اما دست‌ان سدها بیشتر شده است

او در پایان سخنان خود، نموداری نشان داد که براساس آن، پیش از انقلاب بیش از ۱۰۰ میلیارد مترمکعب رواناب سطحی وجود داشته، اما با گذشت زمان، حجم رواناب‌ها کم‌کم به‌دلیل تجمع پلیمرهایی مانند PVC و PA، ریسک اکولوژیک بالقوه بالاتری نشان داد. «مهدی‌نیا» دراین‌باره توضیح داد: «اگرچه PET از نظر فراوانی پلیمر غالب است، اما پلیمرهایی مانند PVC و PS که سهم کمتری در تعداد دارند، به‌دلیل ویژگی‌های خطرناکی بیشتر، نقش مهم‌تری در ایجاد ریسک اکولوژیک ایفا می‌کنند.»

مقایسه سطح آلودگی خلیج فارس با سایر نقاط جهان نشان می‌دهد غلظت ریزپلاستیک‌ها در نواحی فراساحلی خلیج فارس، در مقایسه با مناطقی مانند پلیمری نیز نوع پلیمر با براساس سمیت مواد تشکیل‌دهنده و توانایی جذب آلاینده‌ها ارزیابی می‌کند. برای نمونه، PVC با امتیاز ۱۰ هزار و یک و پلی‌استایرن با امتیاز ۳۰، خطر پلیمری بالاتری دارند؛ درحالی‌که امتیاز PET چهار و PP یک است. نکته کلیدی این پژوهش، استفاده از سه شاخص مکمل برای سنجش ریسک اکولوژیک است. شاخص بار آلودگی، میزان غلظت ذرات در هر منطقه و میزان انباشت ریزپلاستیک را نشان می‌دهد. شاخص خطر پلیمری نیز نوع پلیمر را براساس سمیت مواد تشکیل‌دهنده و توانایی جذب آلاینده‌ها ارزیابی می‌کند. برای نمونه، PVC با امتیاز ۱۰ هزار و یک و پلی‌استایرن با امتیاز ۳۰، خطر پلیمری بالاتری دارند؛ درحالی‌که امتیاز PET چهار و PP یک است.
شاخص سوم، ریسک اکولوژیک بالقوه، تلفیقی از دو شاخص قبلی است و هم غلظت ذرات و هم ویژگی‌های خطرزای پلیمرها را در نظر می‌گیرد. براساس این شاخص، ریسک کمتر از ۱۵۰ تا ناچیز، ۱۵۰ تا ۳۰۰ متوسط، ۳۰۰ تا ۶۰۰ قابل توجه، ۶۰۰ تا ۱۲۰۰ بالا و بیشتر از ۱۲۰۰ بسیار شدید است.
براساس این شاخص‌ها، منطقه‌ای در شمال‌غرب خلیج فارس، نزدیک به مصب رودخانه‌های «اروند»، «مهدی‌نیا» در پابان، با اشاره به اهمیت این پژوهش

کمتر و تعداد سد‌ها بیشتر شده است. او گفت: «تا پایان برنامه ششم توسعه، میزان رواناب‌ها به ۳۵ میلیون مترمکعب رسید، اما حجم مخازن به بیش از ۵۲ میلیون مترمکعب رسیده است.»

او معتقد است چنین وضعیتی قابل‌پیش‌بینی بوده، اما نظام تدبیری در حوزه منابع آب وجود نداشته است که مانع آن شود.

❖ همه ناراضی‌اند

«مسعود امیرزاده»، کنشگر و پژوهشگر محیط‌زیست و منابع طبیعی، سخنانش را با خاطره‌ای آغاز کرد: «من و دوستانم از مخزن سد «گلورد» بازدید کردیم. صحنه قطع درختان در آنجا شبیه صحرای محشر بود. راننده‌ای که خودش چوب‌فروش بود، چون فکر کرده بود ما سدسازیم، به ما گفت شما چطور دلتان آمد این درخت‌ها را قطع کنید؟» او اینکه حتی خود سدسازان هم به این شرایط نقد دارند، تعجب‌آور خواند و گفت: «سازمان بازرسی، دستگاه قضایی، سازمان محیط‌زیست و منابع طبیعی همه ناراضی‌اند، اما شرایط هیچ تغییری نمی‌کند و همچنان دربریک پاشنه می‌چرخد. فقط بساط سدسازی مدام از منطقه‌ای به منطقه دیگری می‌رود.»

امیرزاده این سؤال را مطرح کرد که اصلاً چرا باید سد بسازیم و نیازسنجی این پروژه‌ها چگونه انجام شده است؟ او دراین‌باره به نقل قولی از «مجید رهنما»، پژوهشگر و سیاستمدار ایرانی پیش از انقلاب، اشاره کرد: «او معتقد است که دستگاه‌های بیروکراتیک نیاز کاذب ایجاد می‌کنند؛ یعنی دستگاهی از واژگان ساخته می‌شود و نیاز به ما القا می‌شود.» او در ادامه پرسش‌های دیگری درباره روند ساخت سد‌ها مطرح کرد: «در زمان ساخت سد‌ها، مردم، کارشناسان، سازمان محیط‌زیست، فعالان رسانه‌ای و بسیاری دیگر اعتراض می‌کنند، اما چرا کسی نمی‌شنود؟ چرا تاکنون پس از اجرای پروژه، آن را ارزیابی نکرده‌ایم تا ببینیم آیا اصلاً به اهدافش رسیده است یا برعکس، چقدر ضرر و زیان ایجاد کرده است؟ آیا نباید از تجربه پروژه‌های شکست‌خورده درس بگیریم؟»

❖ این تخلف صاحب‌نادر

از نگاه این پژوهشگر محیط‌زیست، یکی از مسائل اساسی، مشخص‌نبودن سازوکار رسیدگی به تخلفات در این حوزه است. او گفت: «اگر پزشکی اشتباه کند، برای مثال یک نفر کلیه‌اش را از دست می‌دهد، اما وقتی سدی به‌اشتباه ساخته می‌شود، می‌تواند چند نسل را بیمار کند. اگر تخلف و فساد در این سطح رخ دهد، کجا به آن رسیدگی می‌شود؟»

او سپس موضوع «تقسیم وجدان اخلاقی» را پیش کشید: «وقتی انسان‌ها خلاف کوچکی می‌کنند، شب نازحت سرب‌رب بالش می‌گذارند، اما سیستم‌های بیروکراتیک وجدان را تقسیم می‌کنند. برای همین ما می‌گوییم وزارت نیرو مقصر بوده است؛ وزارت نیرو می‌گوید برای مثال، سازمان منابع طبیعی تقصیر داشته یا اصلاً مصرف‌کننده مقصر است. در این سیستم‌ها، افراد معتقدند که فقط کار خود را انجام داده‌اند و تقصیری متوجه آن‌ها نیست. وقتی این تقسیم وجدان رخ می‌دهد، برای شکایت‌کردن هم دچار مشکل می‌شویم، چون کسی نمی‌داند باید چه کسی را بگیرد؛ چون این تخلف صاحب‌نادر.»

❖ نمی‌توان علت تمام مشکلات را به شبکه مافیای تقلیل داد

امیرزاده معتقد است نسبت‌دادن همه مشکلات به شبکه مافیای، ساده‌سازی مسئله است. به گفته او، در دانش پیچیدگی با پدیده‌ای به نام «شبه‌سیستم» مواجه هستیم. او گفت: «شبه‌سیستم‌ها شبکه‌هایی از اجزای ناهمگون هستند، بدون اینکه الزاماً یک‌دیگر را بشناسند، اما این اجزا می‌توانند در یک محیط مساعد به هم پیوند بخورند. این شبکه‌ها برخلاف ظاهر منظمشان، ساختاری بی‌نظم دارند.»

او برای توضیح این سازوکار، مثالی از توسعه شهری و مسئله آب مطرح کرد: «مثلاً شهرداری منطقه ۲۲ از توسعه می‌دهد. در پی این توسعه، نیاز به تأمین آب بیشتر برای تهران ایجاد می‌شود و وزارت نیرو بر این اساس، انتقال آب بیشتر را توجیه می‌کند. در واقع، شهرداری با یک تصمیم شرایطی ایجاد کرده است که می‌تواند انتقال آب را توجیه کند، بدون اینکه الزاماً این تصمیم در ابتدا با چنین هدفی گرفته شده باشد.»

امیرزاده ادامه داد: «در این شبه‌سیستم‌ها معمولاً یک جاذب مرکزی وجود دارد که بازیگران مختلف را به یک سمت می‌کشاند. خودکفایی کشاورزی نمونه‌ای از این جاذب است؛ شعاری که وزارت نیرو، وزارت جهاد کشاورزی و نمایندگان مجلس را، با وجود تفاوت در وظایفشان، در یک مسیر قرار می‌دهد.»

به اعتقاد او، همین شبکه‌های شبه‌سیستمی‌اند که باید شناسایی شوند، چراکه در نهایت به فرسایش منابع و گسترش فساد و تخریب منجر می‌شوند.

گفت: «خلیج فارس یک حوضچه مشترک بین چندین کشور است و الگوی جریان‌های آبی نشان می‌دهد که آلودگی‌های پلاستیکی، مرز نمی‌شناسند. این تحقیق یک خط‌پایه علمی برای پایش‌های آینده است و ثابت می‌کند که برای نجات این اکوسیستم ارزشمند، به یک همکاری منطقه‌ای جدی و فوری در مدیریت پسماند‌های صنعتی و شهری نیاز داریم.»

نتایج این پژوهش در سال ۲۰۲۶ در مجله بین‌المللی «Science»، از انتشارات (Cell Press) منتشر شده است.



یادداشت

شهروندپیش‌فرض مدیران شهری: مرد میانسال، سالم و توانمند



| محمد محمدی‌ا

| جامعه‌پژوه‌ا

شاید یکی از مشکلات پنهان شهر تهران این باشد که مدیران شهری، وقتی از «شهروند» حرف می‌زنند، در ذهنشان تصویر نسبتاً مشخصی دارند؛ یک مرد میانسال، سالم، توانمند، شاغل و از نظر جسمی مستقل که می‌تواند راه برود، از پله بالا برود، سوار اتوبوس شود، با سرعت از خیابان عبور کند، چند ساعت در ترافیک بماند و درنهایت، خودش را با شهر وفق بدهد. تهران پر از آدم‌هایی است که در این تصویر جا نمی‌شوند؛ کودکانی که قدشان به دکمه آسانسور نمی‌رسد، سالمندانی که عبور از یک خیابان برایشان یک عملیات کامل است، زنان باردار، مردانی که کالسکه هل می‌دهند، افراد دارای معلولیت، نوجوانانی که هنوز حق تصمیم‌گیری رسمی درباره بسیاری از مسائل را ندارند، کارگرانی که ساعت پنج صبح از خانه بیرون می‌زنند و شب برمی‌گردند، دست‌فروشان‌ی که اقتصادشان در پیاده‌و جریان دارد و حتی آدم‌هایی که توان مالی‌شان اجازه نمی‌دهد از بسیاری از امکانات شهر استفاده کنند. این‌ها حاشیه شهر نیستند؛ خود شهرد. مشکل از جایی شروع می‌شود که شهر را برای یک «بدن استاندارد» طراحی می‌کنیم. انگار همه آدم‌ها باید یک اندازه قدم بردارند، یک میزان توانایی جسمی داشته باشند، یک ساعت مشخص سرکار بروند و یک‌جور از شهر استفاده کنند. این نگاه در ظاهر بی‌طرف است، اما در عمل کاملاً سیاسی است؛ چون هر بار که یک شهروند را به‌عنوان «استاندارد» انتخاب می‌کنیم، ناخودآگاه گروه‌های دیگری را از محاسبات کنار می‌گذاریم. مثلاً یک پله برای کسی که سالم است، فقط یک پله است؛ برای فردی که ویلچر دارد، می‌تواند یک دیوار باشد. یک ایستگاه اتوبوس برای جوان بیست‌ساله شاید فقط یک نقطه توقف باشد، اما برای سالمندی که تعدادش ضعیف شده، اگر صندلی، سایه و دسترسی مناسب نداشته باشد، یعنی یک فضای غیرقابل استفاده. حتی یک پارک هم برای همه یکسان نیست. پارکی که روشانی مناسبی ندارد، برای یک شهروند ممکن نیست فضای فراغت باشد و برای شهروند دیگری، به‌خصوص در ساعات خاص، فضای ناامن. اینجاست که مفهوم عدالت فضایی در شهر اهمیت پیدا می‌کند. عدالت شهری یعنی امکانات فقط در شهر پخش نشده باشند؛ بلکه شهر به‌گونه‌ای سازمان پیدا کند که با یکسان‌سازی نیست. اتفاقاً عدالت یعنی تفاوت‌ها را به‌بینیم. تهران را اگر از ارتفاع نقشه‌ها نگاه کنیم، شاید شهری نسبتاً منظم به نظر برسد؛ خیابان‌ها، بزرگراه‌ها، خطوط مترو، پارک‌ها و محله‌ها. اما اگر شهر را از ارتفاع یک کودک، یک سالمند یا یک فرد دارای معلولیت ببینیم، ممکن است کاملاً شهر دیگری باشد. شهر فقط آن چیزی نیست که روی نقشه دیده می‌شود؛ آن چیزی است که بدن انسان در آن تجربه می‌کند.

ادامه مطلب را در سایت پیام ما بخوانید.

نوبت اول	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
	اداره کل ثبت‌اسناد و املاک
	آذربایجانغربی
	آگهی ماده ۳ و ۱۳ آیین‌نامه تعیین تکلیف اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
	برابر رأی شماره ۴۴۱۷/۵۰۶۰۳۱۳۰۰۵۰۰۵۰۰۲۲ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی ساختمان‌های فاقد سند رسمی معطل در واحد ثبتی نفقه تصرفات مالکانه و بلاعراض / متقاضی:
	۱- شش‌دانگ یکپاک ساختمان به مساحت ۲۵۹/۰۵ مترمربع به شماره پلاک ۱۵۶۸/۱۸۷/۱- فرعی از- اصلی حوزه ثبت ملک نفقه بخش ۱۱- لرومیه آقای باباپور فرزند امیرعلی واقع در نفقه.
	لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دداخلوست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
	تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۱۵
	تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۲۳
	سجادپور حیدر
	رئیس اداره ثبت‌اسناد و املاک نفقه
	شناسه آگهی: ۲۲۶۸۸۲۰

مرکزی

علیرضا محمودی، شهردار اراک در اجلاس کلان‌شهرها در مشهد

آژاده فراهانی – علیرضا محمودی در حاشیه یک‌صد و بیست‌و هفتمین اجلاس کلان‌شهرها در مشهد، با تقدیر از میزبانی شهرداری مشهد، به نقش شهرداری‌ها در جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان پرداخت و تأکید کرد که شهرداری‌ها با وجود شرایط جنگی و فشار اقتصادی، هرگز در ارائه خدمات شهری دچار نقصان نشدند.

شهردار اراک اظهار داشت: شهرداری‌ها، خصوصاً با توجه به گستردگی، وسعت، تنوع خدماتی، تعداد نیرو و گستردگی که در شهرها دارند، در خیلی از رویدادها نقش اساسی دارند. وی با اشاره به حضور مردم در جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان، تصریح کرد: سال گذشته و امسال در جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان، همه مردم عزیز ما پای‌کار انقلاب بودند، همان‌طور که از ۴۷ سال پیش حضور داشتند؛ اما نکته حائز اهمیت این است که شهرداری‌ها و کارکنان شهرداری با امکانات مادی و معنوی که در اختیار داشتند، نقش بسیار اساسی در هدایت، حمایت و حفظ روحیه مردم در این دفاع مقدس ایفا کردند.

محمودی با تأکید بر تداوم خدمات شهری در شرایط جنگی، افزود: در همه شهرها شاهد بودیم خدماتی که شهرداری‌ها به مردم ارائه می‌دادند، علی‌رغم شرایط جنگی، کمبود نقدینگی، فشار اقتصادی و تخریب‌هایی که توسط دشمن صهیونیستی و استکبار جهانی بر شهرها وارد شد، با حضور و نگاه خوب مردم عزیز در صحنه، دفع شد. هیچ‌گاه در هیچ‌کدام از طرح‌ها، ناوگان حمل‌ونقل عمومی دچار نقصان نشد و نظافت، آراستگی و پاکیزه بودن شهرها نیز دچار خدشه نشد.

مرکزی

مصرف آب در استان مرکزی ۲ میلیون مترمکعب کاهش یافت

فراهانی – سعید سر آبادانی، مدیرعامل شرکت آب‌وفاضلاب استان مرکزی، در نشست خبری با اصحاب رسانه از موفقیت در مدیریت مصرف و کاهش چشمگیر نیاز آبی استان خبر داد. وی اعلام کرد که مصرف آب در پنج ماه نخست سال جاری، نسبت به مدت مشابه سال گذشته، حدود ۲ میلیون مترمکعب کاهش‌یافته است.

سرآبادانی با اشاره به کاهش شدید ذخایر آبی، اظهار داشت که اجرای طرح‌های تأمین، توزیع و مدیریت مصرف، تنش آبی را در اراک و ساوه طی دو سال اخیر به حداقل رسانده است؛ هرچند این دو شهر همچنان در مسیر خروج کامل از تنش آبی قرار دارند. وی افزود شرکت آب‌وفاضلاب استان به جمعیتی نزدیک به یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر با حدود ۷۲۰ هزار مشترک (۵۵۰ هزار شهری و ۱۸۶ هزار روستایی) خدمات‌رسانی می‌کند. در حال حاضر پوشش آب شرب شهری به ۹۹٫۹۹ درصد رسیده و پوشش کل شبکه در شهرها و روستاها ۸٫۳ درصد است.

وی با اشاره به‌ضرورت مدیریت تخصصی روستاهای مشمول، تأکید کرد که طبق تفاهم‌نامه‌های وزارتی، روستاهای بالای ۲۰ خانوار باید تحت پوشش شرکت‌های آب‌وفاضلاب قرار گیرند و فرمانداران باید در این زمینه جدیت بیشتری به خرج دهند.

مدیرعامل شرکت آب‌وفاضلاب استان مرکزی از حفر ۵۲ حلقه

ایلام

افتتاح ۵ طرح و آغاز یک پروژه راهداری در هلیلان

مبارکی – هم‌زمان با هفته دولت و با حضور استاندار ایلام، نماینده

حوزه شمالی مردم استان در مجلس شورای اسلامی و جمعی مسئولان، پنج پروژه راهداری در هلیلان افتتاح و عملیات اجرایی یک طرح دیگر آغاز شد.

مدیرکل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای استان ایلام روزیکشنبه در این آیین اظهار کرد: این طرح‌ها باهدف ارتقای آمینیه‌راه‌ها، بهسازی محورهای ارتباطی، تسهیل تردد و بهبود دسترسی مردم مناطق روستایی اجرا شده است.

وی افزود: یکی از پروژه‌های مهم به بهره‌برداری رسیده در این شهرستان، احداث راه روستایی چال ششک به طول ۲ هزار و ۵۰۰ متر است که با اعتبار ۱۳ میلیارد تومان اجرا شده است.

مدیرکل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای ایلام بیان کرد: همچنین پروژه بهسازی و آسفالت محور سر ابله – پل‌سیمره در محدوده روستای فرخینوند به طول ۲ کیلومتر بهسازی و آسفالت محور سه‌راهی ماهیزان – شاه‌داغ به طول سه کیلومتر و بهسازی و آسفالت راه روستایی شیرکوند – وری به طول پنج کیلومتر به

پیام ایران

استان

گامی برای صیانت از منابع آبی

انسداد چاه‌های غیرمجاز در دامغان

مدیر امور منابع آب شهرستان دامغان از شناسایی و انسداد یک حلقه چاه غیرمجاز در راستای اجرای طرح تعادل بخشی و حفاظت از سفره‌های آب زیرزمینی خبر داد. مهدی‌قادری با تأکید بر اینکه صیانت از منابع آبی اولویت اصلی وزارت نیرو برای نسل‌های آینده است، اظهار کرد: تیم‌های گشت و بازرسی این امور با همکاری عوامل قضایی و انتظامی، نسبت به شناسایی و انسداد یک حلقه چاه غیرمجاز در محدوده عملکردی این شهرستان اقدام کردند.

وی حفر چاه‌های غیرمجاز را چالشی جدی در مدیریت منابع آبی دانست و افزود: این فعالیت‌های غیرقانونی سبب کاهش شدید ذخایر سفره‌های زیرزمینی و ایجاد بحران در تأمین آب پایدار می‌شود. برخورد با متخلفان و مسدودکردن چاه‌های فاقد پروانه در دستور کار جدی این امور قرار دارد و در این مسیر با هیچ‌گونه تخلفی مماشات نخواهد شد.

قادری ضمن قدرت‌انی از حمایت‌های دستگاه قضایی شهرستان برای تسهیل در اجرای احکام، بر ضرورت مشارکت عمومی تأکید کرد و از شهروندان، کشاورزان و بهره‌برداران خواست در صورت مشاهده هرگونه حفر غیرمجاز چاه یا بهره‌برداری غیرقانونی، مراتب را سریعاً به امور منابع آب دامغان گزارش دهند. این مقام مسئول خاطرنشان کرد: با توجه به وضعیت منابع آبی شهرستان، مدیریت تقاضا و کاهش برداشت‌های غیرمنطقی، تنها راه پیشرو برای عبور از تنش‌های آبی و حفظ امنیت آبی منطقه است. اقدامات پیشگیرانه شامل پایش مستمر دشت‌ها و نظارت بر چاه‌های فعال با جدیت تداوم خواهد یافت و این امور از تمامی ابزارهای قانونی برای صیانت از سرمایه‌های ملی استفاده خواهد کرد.

استاندار همدان تشریح کرد

منابع مالی پروژه‌های نهضت ملی مسکن از سه مسیر تأمین می‌شود

حمید ملانوری شمسی، استاندار همدان، در نشست خبری خود با اصحاب رسانه، جزئیات منابع مالی پروژه‌های نهضت ملی مسکن در این استان را تشریح کرد و از سه محور اصلی تأمین مالی این طرح‌ها شامل آورده متقاضیان، تسهیلات بانکی و منابع صندوق ملی

مسکن خبر داد. وی تأکید کرد که دولت با همکاری رسانه‌ها و حمایت از نگاه‌های درمی، در راستای رونق اقتصادی استان گام برمی‌دارد. استاندار همدان در تشریح سازوکار تأمین مالی پروژه‌های مسکن ملی، اعلام کرد که سقف تسهیلات بانکی برای این پروژه‌ها از ۶۵۰ میلیون تومان به ۸۵۰ میلیون تومان افزایش یافته است. این مصوبه که در شورای عالی مسکن به تصویب رسیده، اخیراً به بانک مرکزی ابلاغ و سپس به بانک‌های استان‌ها نیز اعلام شده است. این تسهیلات، یکی از منابع اصلی تأمین مالی پروژه‌ها به‌شمار می‌رود. علاوه بر این، ۲۰۰ میلیون تومان از منابع صندوق ملی مسکن به‌تمامی واحدهای نهضت ملی مسکن تزریق خواهد شد؛ این مبلغ پس از رسیدن پروژه‌ها به ۸۰ درصد پیشرفت فیزیکی، تخصیص می‌یابد.

حمید ملانوری شمسی همچنین به حمایت‌های ویژه از متقاضیان دهک‌های یک تا چهار اشاره کرد و افزود: «بملغی به‌صورت قرض‌الحسنه برای این دهک‌ها اختصاص یافته که رقم آن امسال از ۳۰۰ میلیون تومان به ۴۰۰ میلیون تومان افزایش یافته است. این تسهیلات در محل فروش مازاد دارایی‌های دولت تأمین شده و پس از ۷۰ درصد پیشرفت فیزیکی پروژه، به واحدهای مشمول اختصاص خواهد یافت.»

در مجموع، برای تأمین مالی هر واحد مسکونی در قالب پروژه‌های



۸- حسین‌پور میرزایی زرن‌دی فرزند غلامحسین شش‌دانگ باغ به مساحت ۶۰۰۴/۱۷ مترمربع از پلاک ۱۰۳۸۵ اصلی در اراضی رحمت‌آباد زرن‌د بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی عباس بهرام‌زاده ابراهیمی ۹- سمیرا سام زاده فرزند عبدالحسین شش‌دانگ باغ به مساحت ۳۴۰۲۹۲/۵۰ مترمربع از پلاک ۱۸۷۷۶ اصلی در اراضی محمدآباد گلشن زرن‌د بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی محمدرضا نظریان ۱۰- امیرعلی نظریان فرزند محمدرضا شش‌دانگ باغ به مساحت ۱۰۱۶۲۹/۱۹ مربع از پلاک ۱۸۷۷۶ اصلی در محمداًباد گلشن زرن‌د بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی محمدرضا نظریان ۱۱- حمید جعفرزاده بهاء‌آبادی فرزند ابراهیم شش‌دانگ زمین زراعی (فاقد کشت) به مساحت ۶۲۸۷/۲۵ مترمربع از پلاک ۱۸۸۶۱ اصلی در اراضی هادی‌آباد زرن‌د بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی سید علی‌اکبر تهامی ۱۲- عباس رمضان‌زاده زرن‌دی فرزند علی شش‌دانگ باغ به مساحت ۱۱۷۱/۰۴ مترمربع از پلاک ۱۹۳۹۹ اصلی در زرن‌د

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۵/۳۱**تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۶/۱۵****اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک زرن‌د****شناسه آگهی: ۲۲۵۷۱۳۴**

خبر

۲۴۳ حلقه چاه غیرمجاز آب در خراسان شمالی بسته شد

معاون حفاظت و بهره‌برداری شرکت آب منطقه‌ای خراسان شمالی اعلام کرد: ۲۴۳ حلقه چاه غیرمجاز برداشت آب زیرزمینی طی پنج ماه گذشته از سال جاری در این استان بسته شده است.

وحید واسطه گفت: این کار در راستای انجام وظایف ذاتی این شرکت در حفاظت و صیانت از منابع آب و اجرای قانون توزیع عادلانه آب با همکاری مراجع قضایی و نیروی انتظامی انجام شده و در همین زمینه ۴ دستگاه حفاری غیرمجاز نیز توقیف شده است.

وی توضیح داد: با انسداد این تعداد چاه غیرمجاز از برداشت غیرمجاز سالانه حدود یک میلیون مترمکعب آب زیرزمینی جلوگیری شده است.

او بیان کرد: انسداد چاه‌های غیرمجاز برداشت آب زیرزمینی پس از شناسایی متخلفان توسط گروه‌های گشت و نظارت و دریافت مجوز لازم از دستگاه قضایی با همکاری نیروی انتظامی به‌صورت مداوم انجام می‌شود.

وی از کشاورزان خواست به‌منظور بهره‌برداری بهینه از منابع آب و پیشگیری از خسارت‌های جبران‌ناپذیر به این منابع، برای هر گونه بهره‌برداری جدید، مجوزهای لازم را از شرکت آب منطقه‌ای خراسان شمالی دریافت کنند.

معاون حفاظت و بهره‌برداری شرکت آب منطقه‌ای خراسان شمالی اظهار داشت: سطح آب مخازن آب زیرزمینی این استان به علت برداشت بی‌رویه در دهه‌های اخیر به‌شدت کاهش‌یافته است و توسعه برداشت آب زیرزمینی از این منابع در هشت دشت از ۱۱ دشت استان همه ساله از سوی وزارت نیرو ممنوع اعلام می‌شود.



شناسایی وتوقیف چاه غیرمجاز در یکی از واحدهای صنعتی ابرکوه استان یزد

رئیس اداره منابع آب شهرستان ابرکوه استان یزد از شناسایی وتوقیف یک حلقه چاه غیرمجاز در حین تکمیل عملیات حفاری در یکی از واحدهای صنعتی این شهرستان خبر داد.

سید یحیی هاشمی‌نژاد، رئیس اداره منابع آب شهرستان ابرکوه، اظهار کرد: گروه گشت و بازرسی این اداره در راستای صیانت از منابع آب زیرزمینی و مقابله با تخلفات حوزه آب، موفق به شناسایی و توقیف یک حلقه چاه غیرمجاز در حین تکمیل عملیات حفاری در یکی از واحدهای صنعتی شهرستان ابرکوه شد.

وی افزود: مأموران گشت و بازرسی اداره منابع آب ابرکوه در پی رصد و پایش اطلاعاتی، به موقعیت مورد نظر اعزام شدند و در جریان بازدید میدانی مشخص شد متخلفان بدون اخذ هرگونه پروانه یا مجوز قانونی، اقدام به حفر چاه در فضای مسقف (اتاقک) یکی از واحدهای صنعتی کرده‌اند که با حضور به‌موقع مأموران، عملیات حفاری متوقف و از ادامه فعالیت غیرمجاز جلوگیری شد.

هاشمی‌نژاد ادامه داد: این عملیات بدون ایجاد

آب‌رسانی روستاهای تیران وکرون

در راستای اجرای طرح آب‌رسانی به مجتمع ۴۱ روستایی شهرستان تیران و کرون در استان اصفهان، با تکمیل عملیات در روستاهای کردسلفی و دولت‌آباد، زمینه بهره‌مندی بیش از ۲۵۰۰ نفر از آب شرب پایدار فراهم می‌شود.

این پروژه که با اعتبار ۲۵۰ میلیارد ریال از محل اعتبارات عمرانی در حال اجراست، شامل احداث ۵ کیلومتر خط انتقال آب با لوله پلی‌اتیلن (قطر ۲۵۰ میلی‌متر) در مسیر مخزن ۷۵۰ مترمکعبی قلعه‌ناظر تا مخزن ۲۰۰ مترمکعبی دولت‌آباد است. همچنین برای تأمین نیاز روستای کردسلفی، ۳ کیلومتر خط انتقال با لوله پلی‌اتیلن (قطر ۱۱۰ میلی‌متر) از خط اصلی جدا و به مخزن این روستا متصل خواهد شد.

طرح آب‌رسانی به مجتمع ۴۱ روستایی این شهرستان از سال ۱۳۸۴ در سه‌فاز آغاز شده است. در دوفاز نخست، با اجرای ۱۶۰ کیلومتر لوله‌گذاری، احداث یک ایستگاه پمپ‌زنی و ۸ مخزن ذخیره به حجم ۱۱ هزار مترمکعب، آب‌رسانی به ۳۳ روستا و سه شهر محقق شد.

در فاز سوم که هم‌اکنون در جریان است، هدف آب‌رسانی به ۸ روستای باقی‌مانده از طریق احداث دو ایستگاه پمپاژ ۲۵ کیلومتر خط انتقال و یک مخزن ۱۵۰۰ مترمکعبی است. تاکنون ۳۶۰۰ متر از خط انتقال این فاز اجرا شده و عملیات احداث یکی از ایستگاه‌های پمپاژ نیز به پایان رسیده است.

روزنامه	
www.payamema.ir	
● یکشنبه ۱۵ شهریور ۱۴۰۵ ● سال بیست و دوم ● شماره پیاپی ۳۴۸۵	
توزیع تهران: نشرگستر (۰۲۱۶۱۹۳۳۰۰۰) توزیع استان‌ها: جراری (۰۹۱۲۱۳۱۰۸۹) چاپ: شاخه سبز (۰۲۵۳۳۴۴۴۵۶)	

روزنامه سیاسی – اجتماعی صاحب امتیاز و مدیرمسئول: روح‌الله خدیشی زیر نظر شورای سردبیری دبیر ویژه‌نامه‌ها: شبنم شکوربان مدیر هنری: تیوا صمدیان دبیر عکس: یاسر خدیشی

دبیر محیط زیست: فاطمه باباخانی دبیر گزارش: مهتاب جودکی دبیر میراث و گردشگری: صبا رضایی دبیر خبر: یاسر مختاری دبیر صفحه‌آخر: صدف سرداری

دبیر فرهنگ و هنر: زهرا علی ملازاده صفحه‌آرایی: آتنا شریف‌زاده کارتنویست: مجتبی ملازاده بازاریابی و تبلیغات: محمد زز اداری: فاطمه آقامالیی، شیواکوی

رتبه روزنامه پیام ما : ۲

نظرات نویسندگان دیدگاه شخصی آنان بوده و لزوماً دیدگاه روزنامه نیست.

آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای پیام‌ما: www.payamema.ir/akhlagh	آگهی استان‌ها: عرفانه بهرام‌جردی ۰۹۰۵۲۱۲۵۵۹ آگهی‌های تهران: لیلی میرافضل ۰۹۳۹۴۳۷۴۴۶	برگزاری رویداد: داخلی ۳ مدیرمسئول: داخلی ۴	تحریریه: داخلی ۱ استان‌ها: داخلی ۲	تماس دفتر تهران: ۰۲۱-۲۸۴۲۱۹۰ شماره‌نمبر: ۰۲۱-۷۴۲۲۷۱۰۵
Telegram @payamema Twitter ۸۴۹۴ ۳۳۳ ۰۹۰۳ Instagram @payamema Website www.payamema.ir	Payamema payamema.adv@gmail.com Khobar payamema@gmail.com ایمیل سازمان آگهی‌ها: ایمیل تحریریه:	Phone ۰۲۱-۲۸۴۲۱۹۰ Text تلفن: ۰۳۴-۳۳۴۴۸۰۸۶ Phone ۰۲۱-۲۸۴۲۱۹۰ Text تلفن: ۰۳۴-۳۳۴۴۸۰۸۶	Phone تهران – خیابان شریعتی – ابتدای شهید بهشتی – پلاک ۱۲ – طبقه اول Text نشانی: کرمان، میدان آزادی، خیابان شهید بهشتی، شهید بهشتی ۰۸، نبش شرقی ۲ Phone تهران – خیابان شریعتی – ابتدای شهید بهشتی – پلاک ۱۲ – طبقه اول Text نشانی: کرمان، میدان آزادی، خیابان شهید بهشتی، شهید بهشتی ۰۸، نبش شرقی ۲	

- تاریخ‌خوانی**

گفت‌وگو با «الناز بایرام‌زاده» به بهانه انتشار رمان «آواز در عمارت»؛ روایتی از زندگی «ملوک ضرابی»

زنی که آوازش در تاریخ ماند



سال ۱۳۰۰ خورشیدی، دختری ۱۳ساله در کوچه‌ای در «تهران» قدیم زندگی می‌کرد. خانه آن‌ها دیواره‌به‌دیوار خانه یکی از خوانندگان محبوب دربار «احمدشاه قاجار» بود. آن روزها خانه‌ها به هم چسبیده و دیوارها کوتاه بودند و صدا به‌راحتی از این خانه به آن خانه می‌رسید. دختر پای دیوار می‌ایستاد و گوش می‌داد تا اینکه یک‌روز پاتاش تمام شد؛ به خانه همسایه رفت، در زد و گفت: «می‌خواهم آواز بخوانم». آن دختر، «ملوک فریش فروش کاشانی»، معروف به «ملوک ضرابی» بود؛ از نخستین خوانندگان زن «ایران» که صدایش روی صفحه گرامافون ضبط و در بازار پخش شد. صد سال بعد، «الناز بایرام‌زاده»، سندی‌پژوه و پژوهشگر تاریخ «قاجار»، این زندگی را از دل آرشیه‌ها و روایت‌های شفاهی بیرون کشید و رمانی به نام «آواز در عمارت» بازآفرینی کرد. او در گفت‌وگو با «پیام‌ما» از مسیر پژوهش و بازآفرینی زندگی «ملوک ضرابی» می‌گوید.



طاهره جویرکشی

آ پژوهشگر علوم اجتماعی و فعال حوزه زنان

«الناز بایرام‌زاده»، کارشناس ارشد فقه و حقوق اسلامی، سال‌هاست با متون و اسناد تاریخی دوره «قاجار» سروکار دارد. او به‌عنوان ویراستار متون و اسناد و با تمرکز ویژه بر خاطرات «ناصرالدین‌شاه قاجار»، در دل آرشیه‌ها، سفرنامه‌ها و نامه‌های دست‌نویس این دوره کار کرده است. همین مواجهه طولانی با متون دست‌اول، نگاه او به تاریخ زنان را نیز شکل داده است؛ نگاهی که می‌کوشد از دل اسناد و سکوت تاریخی، زندگی زنان را بیرون بکشد که در روایت رسمی کمتر دیده شده‌اند. «بایرام‌زاده» خود کم‌شنواس؛ جزئیاتی که در کنار دغدغه او برای یافتن صداهای خاموش زنان در تاریخ، به این جست‌وجو معنایی‌ظریف‌تر می‌دهد. شاید همین حساسیت به صداهای ازدست‌رفته است که او را از «ملوک ضرابی» به سراغ زنانی می‌برد که شهنشاه از تاریخ، اغلب کمتر از حضورشان بوده است. نقطه آغاز این مسیر به گفته خودش، بازدیدی از «کاخ گلستان» بود. عظمت تالارها برایش فقط یادآور شکوه یک دوره تاریخی نبود؛ پشت آن دیوارها، زندگی زنانی را می‌دید که نامشان به تاریخ راه نیافته بود. پرسش از همان‌جا شکل گرفت: چه زنانی در این

فقه‌ه

انقلاب‌ها چگونه آغاز می‌شوند و به کجا می‌رسند؟

کتاب «در باب انقلاب‌ها؛ سیاست سرکشی در دنیای امروز»، به قلم مجموعه‌ای از نویسندگان و با ترجمه «کیوان حسینی»، از سوی «نشر وزن دنیا» منتشر شد. این کتاب با نگاهی تحلیلی به انقلاب‌ها، شکل‌گیری جنبش‌های اعتراضی، نقش کشگران و تأثیر ساختارهای سیاسی و اقتصادی بر تحولات انقلابی می‌پردازد و می‌کوشد تصویری پیچیده‌تر از چگونگی آغاز و سرژوش انقلاب‌ها ارائه دهد. کتاب با عبور از پاسخ‌های ساده و دوگانه‌های آشنا، انقلاب‌ها را پدیده‌هایی پیچیده، چندلایه و پیش‌بینی‌ناپذیر نشان می‌دهد. نویسندگان آن شش تن از پژوهشگران حوزه‌های انقلاب، مقاومت مدنی، جنبش‌های اجتماعی و روابط بین‌الملل‌اند. آن‌ها توضیح می‌دهند که ساختارهای سیاسی و اقتصادی چگونه بر کنش انسان‌ها اثر می‌گذارد و کنشگران چگونه می‌توانند این ساختارها را دگرگون کنند. نویسندگان نشان می‌دهند که جنبش‌های مسالمت‌آمیز ممکن است به خشونت کشیده شوند و مبارزات مسلحانه می‌توانند به مقاومت مدنی روی آورند. همچنین هر انقلاب ممکن است هم‌زمان در عرصه‌ای کامیاب و در عرصه‌ای دیگر ناکام به‌اند. کتاب برای توضیح این پیچیدگی‌ها به تجربه‌های گوناگون جهان، از انقلاب «مصر» تا تحولات «ایرلند شمالی» و «ایپای‌وای غربی»، رجوع می‌کند و امکان مطالعه انقلاب‌ها در جهانی مواجه با بحران، نابرابری و اقتدارگرایی را به پرسش می‌گیرد.



عمارت‌ها زندگی کردند و چرا نام بسیاری از آنان از روایت رسمی تاریخ حذف شد؟

سال ۱۳۹۸، این پرسش جدی‌تر وارد مسیر نویسندگی «بایرام‌زاده» شد. از «اندرون قاجار» و روایت‌های کوتاه‌ش تا «جیران فروغ‌السلطنه» و سپس «آواز در عمارت»، هراث حلقه‌ای از زنجیره‌ای بزرگ‌تر است؛ تلاشی برای بازخوانی تاریخ زنان از دل اسنادی که کمتر دیده و شنیده شده‌اند.

او در «آواز در عمارت»، سند را با تخیل پیوند می‌زند تا آدم‌هایی که در حاشیه اسناد مانده‌اند، دوباره دیده شوند و زندگی‌هایی که از زمتن تاریخ بیرون افتاده‌اند، به روایت بازگردند. آنچه این آثار را به هم پیوند می‌دهد، پرسشی درباره حذف زنان از حافظه تاریخی است؛ دغدغه‌ای که «بایرام‌زاده» آن را چنین توضیح می‌دهد: «در بسیاری از اسناد قاجار، اگر پادشاهی ده پسر داشت، نام هر ده پسر در شجره‌نامه‌ها ثبت می‌شد، اما نام دختران همان خانواده گاه اصلاً نمی‌آمد؛ حتی اگر دختر فتحعلی‌شاه بودند. برای من سؤال برانگیز بود که چگونه ممکن است زنی شاه‌زاده باشد و با این حال، نامش از تاریخ جا بماند. زانی‌ها بودند که مترجم، نویسنده، خواننده، نوازنده یا نقاش بودند، اما بسیاری از آن‌ها شناخته‌نشده‌اند؛ مگر اینکه چیزی از خود به‌جا گذاشته و آن را مکتوب کرده باشند. همین حذف گسترده، برای من یکی از مهم‌ترین پرسش‌های پژوهش شد.

«ملوک ضرابی» نیز زنی بود که صدا و ردی از خود به‌جا گذاشت، اما بخش‌هایی از زندگی‌اش همچنان در حاشیه ماند.

چهره

زندگی شخصی و معنای استقلال

زندگی شخصی «ملوک» نیز با الگوی زن متعارف آن زمانه فاصله داشت. در پژوهش «بایرام‌زاده»، از هشت ازدواج او یاد شده است، اما فقط دو مورد از این ازدواج‌ها به‌طور مستند ثبت شده‌اند. آنچه اهمیت بیشتری دارد، شیوه مواجهه او با زندگی مشترک است؛ هرگاه از رابطه‌ای رضایت نداشت، تصمیم به جدایی می‌گرفت؛ آن‌هم در دوره‌ای که چنین اختیاری برای یک زن چندان پذیرفته نبود. «ملوک» فرزندی نداشت، اما فرزندخوانده داشت و در سال‌های زندگی‌اش از یتیمان و کودکان بی‌سرپرست حمایت می‌کرد. سال‌های پایانی زندگی را در «ظهیرالاسلام» گذراند و اطرافیان از خوش‌رویی و خوش‌صحنی‌اش یاد کرده‌اند. حتی لقب «ملوک حرافی» برای «بایرام‌زاده» قابل‌تأمل است؛ اینکه در جامعه‌ای که کلام و حضور اجتماعی زن هنوز با محدودیت همراه بود، حرف‌زدن یک زن می‌توانست به‌جای خوش‌سخنی، «حرافی» نام بگیرد.

از نگاه «بایرام‌زاده»، «ملوک» فقط یک خواننده پیشرو نبود، بلکه زنی بود که هر بار در برابر یکی از محدودیت‌های زمانه ایستاد، با واکنش جامعه روبه‌رو شد؛ «از پدرش کتک خورد، از خانواده طرد شد، پس از اجرا لگدمال شد و بارها با مخالفت روبه‌رو شد، با این حال، مسیر زندگی و صدای خودش را رقم زد.»

راهی که از ملوک ضرابی به قمرالملوک وزیری می‌رسد «آواز در عمارت» برای «بایرام‌زاده» پایان راه نیست. قدم بعدی او پرداختن به زندگی «قمرالملوک وزیری» است؛ زنی از همان نسل نخست خوانندگان زن که نامش در تاریخ موسیقی «ایران» ماندگار شد، اما بخش‌هایی از زندگی و تجربه زیسته‌اش همچنان نیازمند بازخوانی است. «ملوک» و «قمر» دو نقطه از تاریخ اجتماعی زن ایرانی‌اند؛ زنانی از نسلی که هم‌زمان با تحولات سیاسی و اجتماعی «ایران»، شکل تازه‌ای از حضور زن در عرصه عمومی را تجربه کردند و برای آن، گاه با خانواده، عرف و جامعه درافتادند.

«بایرام‌زاده» این مسیر را مجموعه‌ای از زندگی‌های جداگانه نمی‌داند؛ هر زن او را به زن دیگری رسانده و هر روایت، دری به بخشی دیگر از تاریخ اجتماعی «ایران» باز کرده است؛ «فکر نمی‌کنم فقط زندگی چند زن را روایت می‌کنم؛ فکر می‌کنم دارم تاریخ ایران را از زوایای دیگر بازنویسی می‌کنم.» «ملوک ضرابی»، در مسیر دشوار زن خواننده در «ایران»، سنگی را از میان رودخانه‌ای که راه آواز زنان را بسته بود، کنار زد و مسیر را، هرچند اندک، برای زنانی که پس از او آواز خواندند، هموارتر کرد.

آواز در عمارت

برای «بایرام‌زاده» پایان راه نیست قدم بعدی او پرداختن به زندگی «قمرالملوک وزیری» است
زنی از نسل نخست خوانندگان زن که بخش‌هایی از زندگی و تجربه زیسته‌اش همچنان نیازمند بازخوانی است

نقش

آواز در عمارت

نقص و هفتاد و سومین شب از شب‌های «بخارا» به قنات‌های تهران اختصاص دارد. این نشست ساعت پنج بعدازظهر سه‌شنبه هفدهم شهریور ۱۴۰۵ با سخنرانی «مونا مسعودی آشتیانی»، فاطمه خدادادی آق‌قلعه»، «علی‌اصغر سمسار یزدی»، «احمد مالکی»، «رضا شیرازیان»، «محمد حسینی‌لی»، «علی دهباشی» و «مانیا شفاهی» در «شهر کتاب نیوران» برگزار می‌شود.

قنات‌ها طی هزاره‌های گذشته در فلات مرکزی «ایران» و در غیاب رودخانه‌های پرآب پدید آمدند و تمدن کاربری از شکل دادند. تعداد قنات‌های تهران را بیش از ۵۰۰ رشته برآورد کرده‌اند، اما شمار اندکی از ساکنان شهر از وجود آن‌ها اطلاع دارند. در این نشست، شماره اخیر فصلنامه «صنوبر» که ویژه موضوع قنات در «ایران» است، رونمایی می‌شود.

آواز در عمارت

از نقاشی‌هایش با عنوان «شب‌های سفید بیمارستان و من» به نمایش درآمد؛ آثاری که از تداوم فعالیت هنری او در سال‌های پایانی زندگی حکایت داشتند. جواد مجابی از نسل نویسندگان و هنرمندانی بود که ادبیات، هنرهای تجسمی، مطبوعات و نقد فرهنگی را در کنار یکدیگر تجربه کردند. آثار او نیز طی چند دهه در جریان‌های مختلف فرهنگی «ایران» حضور داشتند.

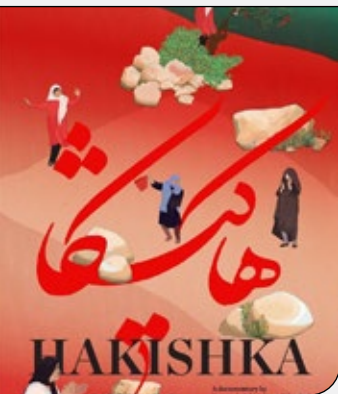


مجابی در سال ۱۳۵۴ برای روزنامه‌نگاری و فعالیت در این حوزه، «جایزه فروغ» را دریافت کرد. پس از آن نیز در سال ۱۳۸۲ «جایزه بیزن جلالی» را برای نقد دریافت کرد. «جایزه آرش» از «جشنواره تیرگان» در سال ۲۰۰۸ و «تورنتو» نیز از دیگر جوایز این ادیب و منتقد هنری به شمار می‌رود.

«شناخت‌نامه احمد شاملو»، «شناخت‌نامه غلامحسین ساعدی»، «بنفشه‌های سرراشید»، «ایالات نیست در جهان»، «سرآمدان هنر نو»، «سبید بازمی‌گردد»، «روزنامه مرد عزلت‌گزین»، «به قول مردم گفتنی»، «باغ گمشده»، «از دل به کاغذ»، «گفتن در عین نگفتن» و «آینه بامداد» بخشی از آثار این نویسنده فقید هستند.
الینا

مستند «هاکیشکا»

در جشنواره مردم‌شناسی «نافا»



مستند «هاکیشکا» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی «ایمان پاک‌نشا» و «ژنگس جودکی» به جشنواره بین‌المللی فیلم مردم‌نگارانه «نافا» (NAFA) راه یافت. این رویداد از سال ۱۹۷۹ در کشورهای حوزه «نوردیک» برگزار می‌شود و امسال «نورژ» میزبان چهل‌وششمین دوره آن است. به گزارش «پیام‌ما»، «هاکیشکا» دربارهٔ آیین زنانه باران‌خواهی است که هر سال اواسط بهار در روستای «پیرکندی» در «آذربایجان غربی» برگزار می‌شود و مردان اجازه حضور در آن را ندارند. به گفته «جودکی»، پژوهش و تولید فیلم طی چهار سال انجام شده و نخستین نمایش بین‌المللی آن سال ۲۰۲۵ در نوزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند «ایام‌گاتا» بود. او درباره نام فیلم گفت: «هاکیشکا ترجیع‌بند اشعاری بود که زنان در این مراسم می‌خواند. تعریف دقیقی از معنای این کلمه نیافتیم، اما این کلمه نام یکی از بازی‌های کودکی زنان نیز هست.» این مستند اواخر شهریورماه در جشنواره جهانی فیلم‌های زنان «ایچی» در شهر «ناگویا» نیز به نمایش درمی‌آید. «رضا تیموری» مدیر فیلم‌برداری، «شهاب میهن‌دوست» و «طاهره حسینی» تدوینگران و «مهرداد ملکوتی» طراح و ترکیب‌کننده صدا هستند. «میثم حسلو» صدابردار «عباس کوثری» عکاس و «سعید فروتن» طراح پوستر آن‌اند.

نشست

شب «قنات‌های تهران»

نقص و هفتاد و سومین شب از شب‌های «بخارا» به قنات‌های تهران اختصاص دارد. این نشست ساعت پنج بعدازظهر سه‌شنبه هفدهم شهریور ۱۴۰۵ با سخنرانی «مونا مسعودی آشتیانی»، فاطمه خدادادی آق‌قلعه»، «علی‌اصغر سمسار یزدی»، «احمد مالکی»، «رضا شیرازیان»، «محمد حسینی‌لی»، «علی دهباشی» و «مانیا شفاهی» در «شهر کتاب نیوران» برگزار می‌شود. قنات‌ها طی هزاره‌های گذشته در فلات مرکزی «ایران» و در غیاب رودخانه‌های پرآب پدید آمدند و تمدن کاربری از شکل دادند. تعداد قنات‌های تهران را بیش از ۵۰۰ رشته برآورد کرده‌اند، اما شمار اندکی از ساکنان شهر از وجود آن‌ها اطلاع دارند. در این نشست، شماره اخیر فصلنامه «صنوبر» که ویژه موضوع قنات در «ایران» است، رونمایی می‌شود.

انتشار

انتشار فراخوان سی‌ویکمین جشنواره تئاتر کودک و نوجوان

فراخوان «سی‌ویکمین جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان» به دبیری «مرضیه برومند» و با شعار «حال خوب بچه‌های امروز، حال خوب ایران فرداست» منتشر شد. این جشنواره در هشت بخش «مسابقه تئاتر ویژه خردسالان»، «مسابقه تئاتر ویژه کودکان»، «مسابقه تئاتر ویژه نوجوانان»، «مسابقه آثار فضای باز و دیگ‌گونه‌های اجرایی»، «مسابقه نمایشنامه‌نویسی»، «نمایش‌های ملل»، «تئاتر ملل» و «کارگاه‌های علمی ـ پژوهشی و انتقال تجربه» برگزار می‌شود. این دوره از جشنواره از ۸ تا ۱۳ آذر امسال در «همدان» برگزار می‌شود و پدیداری نمایش‌هایی است که اجرا شده یا آماده اجرا باشند. ثبت درخواست شرکت در بخش‌های مختلف، از طریق نام‌نویسی و بارگذاری مدارک لازم در وبسایت جشنواره به نشانی icy.theater.ir امکان‌پذیر است.